

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

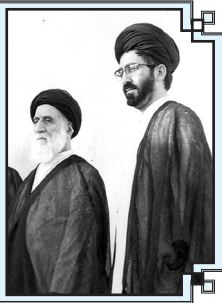
امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهامی زحمت

اشاره ای به
حوادث دوران
انقلاب؛ ماجرای
یک تبعد و یک
گذشت

صفحه ۷ و ۶



سال سی و پنجم ♦ شماره ۴۳ ♦ شماره مسلسل ۱۴۹۴ ♦ نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۹۳ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

تجلیل از استاد خسروشاهی

برگزاری همایش مصلح بیدارگر



همایش مصلح بیدارگر به مناسبت یکصد و هجدهمین سالگرد رحلت سید جمال‌الدین اسدآبادی با مشارکت بنیاد بوعلی‌سینا و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان و حمایت فرمانداری اسدآباد، نماینده اسدآباد در مجلس شورای اسلامی، دانشگاه‌های بوعلی‌سینا و پیام‌نور استان همدان و دانشگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، صبح روز پنج‌شنبه چهاردهم اسفندماه ۹۳ در شهر اسدآباد برگزار شد. این همایش از ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح تا ۱۲ در مجتمع فرهنگی و هنری سیدجمال‌الدین اسدآبادی برپا شد و سخنران ویژه آن دکتر علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. همچنین چند تن از اساتید صاحب‌نام سیدجمال‌شناس کشور، استادان دکتر محمدجواد صاحبی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد ثقفی و دکتر احمد موثقی پژوهشهای خود درباره اهداف و مبارزات سید را ارائه کردند. نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه همدان، نماینده اسدآباد در مجلس شورای اسلامی، معاون سیاسی، امنیتی استانداری نیز در سخنانی خدمات این مصلح جهان اسلام را تشریح نمودند. در این همایش یک روزه از خدمات علمی محقق و مؤلف مجموعه آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین استاد سید هادی خسروشاهی تجلیل شد.

در همین رابطه رئیس روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد بوعلی‌سینا درباره آثار علمی و تألیفات استاد خسروشاهی توضیح داد: استاد خسروشاهی متولد سال ۱۳۱۷ شمسی در تبریز است که بیش از ۵۰ سال از عمر پرپرکت خود را صرف طبع و نشر کتب دینی و نشر معارف اسلامی کرده است. تألیفات ایشان به زبان فارسی و عربی بالغ بر ۸۰ جلد است که برخی از آنان بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ شده‌اند. علاوه بر آن ۱۲۰ جلد کتاب دیگر نیز به تحقیق، توضیح و مقدمه و اشراق جناب استاد در ایران، ایتالیا و مصر چاپ و منتشر شده است. ترجمه و تحقیق کتاب ۵ جلدی امام علی صدای عدالت انسانی تألیف استاد جرج جرداق مسیحی بیش از ۱۰ بار و در ده‌ها هزار نسخه تاکنون چاپ شده است.

از طرفی ایشان تدوین، تحقیق و نشر مجموعه آثار سید جمال‌الدین حسینی اسدآبادی را در ۱۰ جلد و بیش از ۳ هزار صفحه در ایران و مصر انجام داده و در واقع محصول نیم قرن تلاش و تتبع علمی و بررسی درباره این فیلسوف بیدارگر و شخصیت جهانی است.

آقای دارائی درباره سایر خدمات فرهنگی و مذهبی استاد خسروشاهی گفت: جناب استاد خسروشاهی در سال ۱۳۵۲ شمسی مرکز بررسی‌های اسلامی را در قم و سپس در سال ۱۳۶۱ شمسی مرکز فرهنگی اسلامی اروپا را در ایتالیا تأسیس کرده است و در زمینه‌های اسلامی کتاب‌های قرآن مجید و نهج‌البلاغه را به زبان‌های عربی، انگلیسی، ایتالیایی و آلمانی و ... ترجمه و منتشر کرده است. وی همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت دو سال به عنوان نماینده امام خمینی (ره) در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعال بود و ۵ سال نیز به عنوان سفیر جمهوری اسلامی در واتیکان مشغول به فعالیت بود که تأسیس دو ماهنامه انگلیسی به نام‌های انکواثری و امریکن آیوننس و مجله‌ای هفتگی به زبان عربی به نام العالم در لندن از آثار این دوران است.

نماینده ولی فقیه در استان همدان:

انقلاب اسلامی بدون قیام سیدجمال‌الدین اسدآبادی به پیروزی نمی‌رسید

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان در همایش مصلح بیدارگر با تأکید بر نقش اثرگذار سیدجمال‌الدین اسدآبادی در شکل‌گیری نهضت‌ها و انقلاب‌ها، گفت: اگر ۱۰۰ سال پیش سید جمال‌الدین قیام نکرده بود چه بسا ما نیز در انقلاب اسلامی به پیروزی نمی‌رسیدیم.

ادامه در صفحه ۴

آیت‌الله سید رضی شیرازی:

آیت الله کاشانی به
هر مصداق شری
می‌گفت «انگلیسی»



صفحه ۸

تجلیل از عالمی
که برای تبلیغ دین
به چین و هند
هم سفر کرد



صفحه ۸

معاون فرهنگی وزیر ارشاد:

«آیینه پژوهش»
دیوارهای تنگ‌نظری
را کوتاه کرد



صفحه ۱۲

گزارشی از
دیدارهای رئیس
جمهوری با مراجع
عظام تقلید



صفحه ۹

دکتر اعوانی:

ولایت حضرت
زهرا (سلام‌الله علیها)
پنهان مانده است



صفحه ۵

دکتر صادق آیینه‌وند:

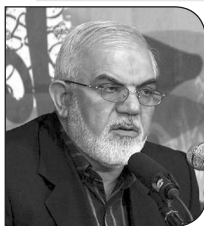
امام موسی صدر
از پتانسیل ادیان
برای نجات انسانیت
بهره می‌گرفت



صفحه ۹

مکتب اخلاقی و تربیتی سید جمال‌الدین اسدآبادی

دکتر محمد جواد صاحبی



یکی از جنبه‌های مکتوم زندگی سید جمال‌الدین، مکتب تربیتی و اخلاقی اوست. سید افزون بر آن که در حوزه‌های علمیه قزوین، بروجرد و تهران و نجف به تحصیل علوم دینی پرداخته و از محضر علمای بزرگی چونان میرزا محمود بروجردی، سید صادق طباطبایی سنگلجی (پدر سید محمد

طباطبایی از رهبران مشروطیت) برخوردار بوده و به طور طبیعی اندیشه و سیرت علمی و عملی آنان بر او تأثیر گذار شده است. در نجف، به مدت چهار سال در ضمن استفاده از درس فقه شیخ انصاری که گویا تکفل وی را پذیرفته بوده وضعیت او را به پدرش نیز گزارش می‌کرده، به درس اخلاق و عرفان میرزا حسینقلی درجزینی همدانی حاضر می‌شده است. او در این درس، با بزرگانی چون محمد سعید حبویی که بعداً جزو رهبران انقلاب عراق (ثوره العشرین ۱۹۲۰م) بود و سید احمد کربلایی که از اساتید برجسته اخلاق و عرفان و دارای دستورالعمل‌های سازنده‌ای برای طلاب و اهل سیر و سلوک بوده، انیس و جلیس و هم‌مباحثه گردیده است. استاد مطهری می‌گوید: «سید جمال در نجف از محضر حکیم متاله فیلسوف عالقدر و عارف بزرگ آخوند ملاحسینقلی همدانی درجزینی شوندی بهره‌مند شده است، سید در حضور او با علوم عقلی و مسائل معنوی و عوالم عرفانی آشنا شده است. این بنده از وقتی که به این نکته در زندگی سید پی بردم، شخصیت سید در نظرم بعد دیگر و اهمیت دیگری پیدا کرد.»

مکانات و منزلت علمی و عملی میرزا حسینقلی به اندازه‌ای است که شهید مطهری می‌افزاید: بیش از آن که میرزا حسینقلی افتخار کند که شاگرد حکیم سبزواری است، حکیم سبزواری باید افتخار کند که شاگردی مثل مرحوم میرزا حسینقلی دارد.

مکتب تربیتی میرزا حسینقلی همدانی یک مشرب عملی است و بیشتر بر انجام واجبات و ترک محرمات، نیایش و عبادت و زهد، سیر و سلوک عملی و مکارم اخلاقی تأکید دارد و چندان به عرفان فلسفی و شطحیات و شهود و رسیدن به مقامات باطنی وقعی نمی‌نهد.

ادامه در صفحه ۲

آغاز عصر جدید در جهان اسلام

دکتر سید محمد ثقفی



اگر این اصطلاح «عصر جدید» را در رابطه با حیات اجتماعی مسلمین بپذیریم، یقیناً این عصر با سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او آغاز میشود. اگر نشانه و رمز عصر جدید، در اروپا با جمله جرأت پرسیدن داشته‌باش شروع شد، در جهان اسلام نیز با بر خود اعتماد داشته‌باش. آغاز گردید اعتماد بر خود، نقطه آغاز احساس شخصیت و بازسازی خود است: خود شخصی و خود اجتماعی و جمعی و به تعبیر اقبال خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت به آن ملت سروکاری ندارد که دهقانش برای دیگری کشت.

و سید این رمز را از قرآن کشف کرده بود که ان‌الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. و این آیه آیت بیداری اجتماعی و شعار حزب اسلامی سید بود. تبلور این بیداری در دو شخصیت نخستین نهضت بیداری است که شیخ و سید جمال‌الدین و عیده جهان اسلام را به حرکت در آورده‌اند. عیده استاد خود سید جمال را چنین توصیف می‌کند: او مردی بلند همت قوی اراده بود همواره آماده بود که اعمالی را متعهد گردد که نیاز به شجاعت و گذشت دارد. او خود را وقف امور روحانی کرده بود. بیداری از سر آغاز میشود که خواب را کنار زند و هوش خود را احیا کند و جهت زندگی را دراباید.

شیخ و سید، هر دو این بیداری و جهت اجتماعی را «عقلانیت و اخلاق» در جهان اسلام میدانند. در این مختصر میخواهیم این دو نکته: راه و جهت را در اندیشه شیخ و سید نشان دهیم.

ویژگی‌های سید

اندیشه‌ها و زندگانی او دارای سه مشخصه بود:

۱- روحانیت: او این خصوصیت مهم خود را در کناره‌گیری از لذات جسمانی در تعقیب امور روحانی و علاقه مفرط به آرمانهایی که حیات خود را وقف کرده بود ظاهر کرد.

۲- حس مذهبی. او می‌گوید: دین جوهر ملتها و سرچشمه راستین سعادت انسان است. این نکته را سید در کتاب و رساله «رد نیچریه و الرد علی الدهرین» در پاسخ سید احمد خان هندی و اعلام نمود او معتقد بود: تمدن صحیح همان است که مبتنی بر علم اخلاق و مذهب است، نه بر پیشرفت مادی و گرد آوردن ثروت‌های کلان یا تکمیل ماشین‌ها آدم کشی و تخریب

ادامه در صفحه ۳

ادامه از صفحه اول

در این مکتب شاگردان بزرگی چون شیخ محمد بهاری، میرزا جواد ملکی تبریزی تربیت شده اند که افزون بر تأکید بر عبادت و وارستگی از تعلقات دنیوی، بر انجام واجبات و پرهیز از محرمات، محاسبهٔ النفس، تخلیق به اخلاق الهی، توصیه به اهتمام می نمایند. کتاب های تذکره المتقین اثر شیخ محمد بهاری و لقاءالله، المراقبات و... از میرزا جواد ملکی تبریزی نشان از تمایز این مکتب با سایر مکاتب اخلاقی و تربیتی دارد. بسیاری از بزرگان صاحب نام معاصر در عرفان و اخلاق عملی سلسله مشایخ خود را به این بزرگوار می رسانند. این حقیقت که سید شاگرد مکتب تربیتی میرزا حسینقلی همدانی است؛ موقعی مستند گردید که اسناد و مدارک منتشر نشده درباره سید جمال الدین اسد آبادی معروف به افغانی، توسط آقایان دکتر مهدوی و ایرج افشار انتشار یافت، در آن جا سید این واقعیت را در نامه ای به خویشاوندانش گزارش کرده است.

به نظر می رسد با تأثیر پذیری از همین مکتب اخلاقی و تربیتی بوده است که سید دستورالعملی اخلاقی برای یاران خویش صادر می کرده که نمونه ای از آن متنی است که در حزب الوطنی مصر مورد عمل قرار می گرفته است:

از جمله موارد مهم آن: ادای قرایض و نوافل، احسان به فقرا، اعانت و قضای حوایج محتاجان، صله ارحام، عبادت بیماران، ادای حقوق مالیه الهیه، تنزیه تقدیس آئینه نفس از مطلق ملکات خبیثه خاصه ملکه رذیله خودخواهی، خودبینی و خودپسندی، عفو و اغماض از خطایای شخصی، کظم غیظ، اعراض از لغو وسخن بیهوده، امر به معروف و نهی از منکر، بحث با کفار و مخالفان «بالتی هی احسن»، تلاوت قرآن و تأمل در آن.

سید همچنین به پیروانش توصیه می کرد که هر شب پیش از رختن به بستر خواب، به محاسبه نفس بپردازند و کارهایی که هر روز انجام داده اند را مورد بررسی قرار دهند تا چنانچه خطا و گناهی را مرتکب شده اند، در صدد توبه و جبران عمل خویش برآیند.

میرزا لطف الله نوه خواهرش که به سید عشق می ورزیده، روزی به او می گوید:

«هر کس از علما و دانشمندان هر قوم و طائفه ای را می بینم، امروزه از شما استفاضه فیض می نمایند و تقدیر استعداد آن ها را مستفید می فرمایید، مستدعی هستم از این علم بی پایان که خداوند به شما کرامت فرموده بنده را هم بی نصیب نگذارید، و چیزی به من تعلیم فرمائید که باعث حیات دنیا و آخرتم باشد.»

سید جواب می دهد: «اولا کلام الله مجید را تلاوت کن و مطابق احکامش عمل کن .»

میرزا لطف الله در پاسخ می گوید: «به قدر کفایت عمل می کنم ولی اطلاع از نحو و صرف ندارم که به خوبی معانی و ترجمه قرآن را بدانم.»

سید جمال الدین جواب می دهد: «اگر به آن هایی که می دانی عمل کنی مابقی هم از جانب حق بر تو کشف خواهد شد و...»

توصیف عالم دینی در این مکتب اخلاقی و تربیتی

سید جمال الدین عنوان عالم دینی را تنها با متصف بودن به مکارم اخلاقی می پسندد، از اینرو در مقاله تعلیم و تربیت پس از بحث درباره منزلت علم و عالم و نیاز جامعه به دانش و دانشمندان و ضرورت بزرگداشت آنان، تعریفی از عالم عرضه می دارد که تجسم انسان کامل است، او می نویسد: «وباید دانست که مراد ما از عالم، آن عالم است که معارف آن، گمراهان طریق سعادت را هادی و راهنما باشد و دانشش دل های مرده را حیات و زندگانی تازه عطا کند و سخنانش بیماران ذل و مسکنت را شفا بخشد و عباراتش چون مغناطیس اجزای متلاشیه امت را جمع کند، و کلماتش صیقل دهد

مکتب اخلاقی و تربیتی سید جمال الدین اسد آبادی

دکتر محمد جواد صاحبی

اصلاحاتی بع عمل آورد، به همین مناسبت می گفت: وظیفه مرد دانشمند این نیست که دارای منصب معین حقوق مشخصی باشد، بلکه وظیفه عالم، ارشاد و تعلیم صحیح است و مقام او اقتضا، بلکه الزام دارد به این که علوم سود مند را خوب بیاموزد و علم را با عمل نیک مقرون گرداند۱۱.

سید و آراستگی به فضایل اخلاقی

درباره التزام عملی سید به فضایل و سجایای اخلاقی کسانی که وی را از نزدیک دیده اند، خاطرات شگفت آوری را نقل کرده اند، میرزاحسین خان دانش اصفهانی مقیم اسلامبول که با او محشور بوده است، می نویسد: سید درباره مهمانان و مسافران همیشه جوانمردی و سخا نشان می داد و هر یکی را به فراخور قدر و مرتبه نوازش می کرد، فقرا و ضعفا را پول می داد و اغنیا و نجبا را به سمط می نشانند و در وقت خوردن طعام با مسافران اغلب خطاب به این و آن کرده، می گفت: «تَفَضَّلْ تَفَضَّلْ، بخورید که این مائده سلطانی است، چشیدن آن ثواب است.» اما خود قناعت با چند لقمه سبزی و ترشی می کرد. سید جمال الدین تمامی ماه رمضان را در اسلامبول سراسر روزه دار و شب زنده دار بود.

در چنین شبها گاهی بی مقدمه رو به شخصی از مهمانان کرده و از سر شوخی می گفت: «ای درویش فانی، از چه می اندیشی؟ برو، نه از سلطان بترس نه از شیطان! و حال آنکه مجلس سید هرگز خالی از مأموران خفیه سلطان نبود۱۲.

سید جاذبه ای بسیار قوی و دافعه ای معتدل داشت، او شماری از مخالفان را با افکار و مذاهب گوناگون، با خویش همراه ساخت، چنانکه نویسنده شوخ طبع یهودی، یعقوب صنوع، را شیفته خود ساخت و او را به تأسیس مجله فکاهی و هنری ابو نظار واداشت، یکی از نمونه های زیبایی این سعه صدر سید ماجرای میرزا باقر بوتانی است. نوشته اند: در هنگام نخستین سفرش به ایران، برخی از ماجراجویان، میرزا باقر بوتانی، را در شیراز تکفیر کرده بودند، از اینرو ناگزیر به سوی بوشهر می گریزد، ولی مخالفانش از وی دست برنمی دارند و سر انجام در بین راه دستگیرش می کنند، نخست می خواستند او را پیش یکی از علما برده تا حکم قتلش را گرفته بکشند.

در این حال سید جمال که از سمت بوشهر می آمده تا به شیراز برود، با آن ها برخورد می کند. مردم میرزا باقر را نزد سید می برند و از او داوری می خواهند. سید جمال بی درنگ سیلی محکمی به صورت بوتانی می زند و خطاب به او می گوید: «ملعون! کافر!...» سپس به مردم می گوید: «این ملعون باید پیش من بماند تا او را درست استنطاق کنم و فردا صبح حکم قتلش را صادر کنم»

مردم متفرق می شوند و میرزا باقر را در منزل سید محبوس می کنند. نیمه های شب سید آهسته به محبس می آید و میرزا باقر را بیدار می کند و به او می گوید: «برخیز و فرار کن!» با این شیوه اسباب فرار او را فراهم می سازد۱۳.

بعدها بوتانی عقاید خود را تصحیح و در خیل مریدان و دوستان سید جمال قرار می گیرد و در پی آرمان های او، انگلستان، فرانسه و لبنان و ایران را در می نوردد. سرانجام در نهضت تنباکو به زندان می افتد و در بند جان می سپرد و مردی که لندن و پاریس و بیروت گنجایش پرواز روح پویای او را نداشت، گمنام در گورستان جنوب تهران در دل خاک مدفون می شود۱۴.

استعمار و استبداد نتیجه انحراف اخلاقی

سید استعمار را نتیجه خوی افزون طلبی و استکبار قدرت مداران می دانست، او در این پدیده زشت هم استعمارگر را مجرم می شناخت و از اخلاق و منش انسانی بیگانه می دانست و هم استعمار پذیر را مقصر، بیمار و فارغ از فضائل اخلاقی معرفی می کرد، او با استناد به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»

ادامه در صفحه بعد

ترس است که تحمل یوغ بردگی را بر گردن مردم آسان جلوه می دهد. ترس است که نفس انسانی را برای قبول اهانت - زیر نام صبر و شکیبایی - و قبول خواری -زیر نام زیرکی و عاقل مایی- آماده می سازد....

ترس چیست؟ واماندگی در نفس انسان که او را از مقاومت در برابر هر امر خوشایندی باز می دارد. ترس یک بیماری روحی و روانی است، که نیروی حفظ وجود را که خدا آن نیرو را رکنی از ارکان طبیعی قرار داده است، از بین می برد. این بیماری روانی علت هایی چندی دارد که اگر مومن کسی است که یقین داشته باشد که اجل به دست خداست و خدا هرگونه و هر آن که بخواهد اجل آدمی می رسد. پس کنندی در ادای وظایف و واجبات اجتماعی عمر کسی را زیاد نمی کند، و شجاعت و در گیری یک دقیقه از عمر کم نمی سازد. مومن کسی است که یکی از دو نیکوترین (احدی الحسینین) را از دست نمی دهد؛ یا زندگانی با سیادت و عزت را، یا مرگ سعادتمندانه در راه خدا را تا روحش به اعلا علیین صعود کند و با کرویbian و بهشتیان محشور و همشین گردد.....۸

البته سید در اخلاق نظری نیز مقالات سنجیده ای دارد که موضوع بحث ما نیست.

ترک تعلقات دنیوی در مکتب اخلاقی او

سید جمال الدین به جهت همان آموزه های تربیتی مکتب عرفانی میرزا حسینقلی همدانی چنان به تهذیب نفس پرداخته بود که همه تعلقات دنیوی را ترک کرده و از همه وابستگی ها وارسته شده بود. جلوه ای از این اخلاص و صفای باطن را می توان در نامه ای که در مورخ ۲۷ مارس ۱۸۸۹م/۲۵ رجب ۱۳۰۶. ق به حاجی امین الضرب نوشته است، مشاهده کرد:

«جناب حاجی! من آنچه گفته ام و می گویم و کرده ام و می کنم، همه محض و صرف از برای خیر امت محمدیه بوده و خواهد بود و به هیچ وجه انانیت مرا در او مدخلی نبوده است....

نوشته بودید که پس از ورود من به تهران همه چیز آماده و حاضر بود، حاجی جان چه حاضر بود؟ و کدام چیز آماده بود؟

من صدر اعظم نمی خواهم بشوم، من وزیر نمی خواهم بشوم، من ارکان دولت نمی خواهم بشوم، من وظیفه نمی خواهم، من عیال ندارم، من ملک ندارم و نمی خواهم که داشته باشم!

پس چه حاضر بود و چه آماده؟ جناب حاجی، بسیار اشخاص به واسطه من به رتبه بیگی و پاشایی رسیده اند. بسیار اشخاص به توسط من به موجب بالا رسیده اند ولکن خود من همیشه به یک حالت بوده و خواهم بود. جز نصیحت و اصلاح مقصد دیگری ندارم....

نگاشته بودید که جناب جلالت مآب اجل افخم به اوج اقتدار رسیده اند! اگر در آن نفع خلق است، باعث مسرت و خشنودی است، اگر چشم من در او خیر عموم عبدالله نباشد، کور باد بهتر است و اگر دستم برای سعادت مخلوق نکوشد، از حرکت باز ماند و اگر پایم در راه نجات امت محمدیه قدم نزنند شکسته شود.

این است مذهب من و این است مشرب من!۹

سید جمال الدین به آنچه در این باره می گفت، پایبند بود و بدان جامه عمل می پوشید چنانکه یکبار به مأموران عثمانی، گفت از مال دنیا جز تعدادی کتاب که آن را به سینه سپردم و یک دست لباس که بر تن پوشیدم هیچ چیز ندارم ۱۰.

او هیچ گاه مفتون مقام و منصب و جاه نشد با آن که همه امکانات، در ایران، مصر، عثمانی و حتی کشورهای اروپایی برایش فراهم بود، شاید اگر کمی در موضع خویش تغییر می داد، خیلی راحت می توانست به بسیاری از مقامات و مناصب عالی دست یابد، ولی هرگز در برابر جاه و مقام قد خم نکرد؛ نوشته اند:

یک روز سلطان عبدالحمید وعده داد تا مقام شیخ الاسلامی به او بدهد، اما سید نپذیرفت، زیرا معتقد بود که این مقام ارزشی ندارد مگر اینکه به وسیله آن، نظام اجتماع را بتوان تغییر داد و در سایه این عنوان،

نفوس را کدورات بواعت شقا، که عبارت از اخلاق رذیله باشد و علمش تابان آفتابی و درخشان خورشیدباشد که چون طلوع کند از مشرق عقل آن عالم، نور و ضیانش بر ساحت نفوس جمیع امت بتابد و همگی آحاد آن را منور و بینا گرداند، تا هر یک منافع و مضارو مصالح و مفاسد خود را بداند و سعادت دارین را از روی بصیرت استحصال کند؛ نه آن عالمی که در ظلمتکده وحشتناک اوهام نشسته علی الدوام به همهمه و دمدمه مشغول می باشد و افساد را اصلاح گمان می کند و خود راه نمی داند؛۴...

معاد اندیشی زیر بنای اخلاق فردی و اجتماعی اسد آبادی

یکی دیگر از فصول جالب مقالات عروه الوثقی، در زمینه اخلاق فردی- اجتماعی، فصلی است در مبارزه با ترس و کوبیدن آن؛ این فصل با این دو آیه کریمه می آغازد:

«أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ۝۵»

هر جا باشید، مرگ شمايان را فرا خواهد گرفت، اگر چه در پرچ هایی به سر برید سر به فلک کشیده... «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ۝۶» ای پیامبر! به مردمان بگو، این مرگی که از آن می گریزید (خود را به خیال خود از آن حفظ می کنید)، با شما دیدار خواهد کرد.

با ذکر این دو آیه قرآنی، اشاره می کند که بنیاد اصلی جبن و ترس، مسأله مرگ است و ترس از مرگ گریختن از آن؛ و مرگ مسأله ای است حتمی و ناگزیر، شروع این مقاله با این آیات، یادآور مضمون این بیت است:

«و ان كانت الابدان للموت انشئت.....فقتل امریء بالسيف فی الله افضل»

اگر بدن ها برای این آفریده شده اند که روزی بمیرند و خاک شوند پس کشته شدن در راه خدا، افضل است.۷»

در ماهیت هر یک از این علت ها ژرف بنگریم می بینیم که همه به یک چیز باز می گردد و آن، ترس از مرگ است. مرگی که سرنوشت هر موجود زنده ایست و سرانجام هر ذی روحی.... کسانی که قرآن می خوانند می دانند که خداوند در قرآن، دوست داشتن مرگ را علامت ایمان قرار داده است....اقدام در راه خدا و دادن مال و جان در راه برپاداشتن حق و عدالت، نشانه مرد مومن است.

قرآن، به همین بسنده نکرده است که مردم نماز بخوانند، زکات بدهند و به دیگری آزار نرسانند، بلکه اینها را کارهایی دانسته است که هم مومن هم منافق انجام می دهند، و تنها دلیل منحصر ایمان داشتن را دادن جان دانسته است در راه اعلای کلمه حق و در راه استقرار عدل. بلکه قرآن کریم، آمادگی تا پای بذل جان را در راه پایدار ماندن حق و دین و عدالت، یگانه رکن ثبوت ایمان شمرده است، رکنی که چون نباشد، هیچ امر دیگری قابل اعتنا نیست. این است که نباید هیچ کس فکر کند که «دین اسلام» و «ترس» در یک دل جمع توانند شد:

«لَا يَظُنُّ ظُلْمًا أَنَّهُ لَا يَمْكُنُ الْجَمْعُ بَيْنَ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ بَيْنَ الْجَبَنِ فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ.»

سید در ادامه تحلیلی از مَرگ ارائه می کند؛ که اگر چنانچه هر فرد مسلمان با چنین دیدگاهی بنگرد در می یابد که سرچشمه همه فضائل و نیکی ها همین ایمان به مرگ است و علت عمده همه رذائل و پستی ها، گریز از آن است؛ چون کسی که مرگ را عاقبت و پایان زندگی نمی شمارد و می داند که در آن سرای جاوید، همه اعمال نیک و بد انسان مورد محاسبه قرار می گیرد؛ اولاً کاری برخلاف اوامر و نواهی الهی مرتکب نمی شود. ثانیاً از مرگ، واهمه ای ندارد، زیرا می داند که در برابر همه کارهای پسندیده و فداکاری ها پاداش بزرگی در پیش روی می باشد.

ترس از مرگ است که انسان را بر آن می دارد تا برای ماندن در دنیا، تن به هر خواری و ذلتی بدهد. ترس است که مردمان را به قبول مسکنت می کشاند.

انسانی است که از مذهب سرچشمه می گیرد و بجای خشونت و واگرایی ، هم گرایی و رحمت را نوید دهد.۱ جشن نکوداشت فرهنگی – علمی که برپا شده است برای شخصیتی مطرح است که عمری برای جمع آوری آثار معرفی اندیشه های اصلاحی بیدارگر مشرق ، سید جمال الدین اسدآبادی زحمت می کشد. دقیقاً یادم است که در ایام جوانی که طلبه‌ای تازه کار تقریباً ۱۷ سال داشتم در نخستین روزهای نهضت اسلامی در مجله علمی دینی مکتب اسلام با عنوانی برخورد کردم با امضای س. هدی تائر . که مقالات سیاسی– انقلابی مینوشت . معلوم شد که صاحب امضا دانشمند گرانقدر استاد علامه خسروشاهی است که همراه دیگر نویسندگان حوزه که امروزه از مراجع تقلید هستند قلم فرسایی میکنندو مطالب آگاهی بخشی را منتشر می سازد آری در آن دوران که تابستانها به تبریز میرفتم برای نخستین بار با جزوه ای (رساله ای) به عنوان اسلام و علم در ویتترین کتابفروشی شروس نظرم را جلب کرد. رساله درباره مباحثه سید جمال با مسیورنان دانشمند فرانسوی بود که با کوشش استاد خسروشاهی چاپ شده بود. مشعلی را که از آن شعله ای درخشان بلند بود با جمله: الاسلام عقیده و جهاد نظر هر خواننده ای جلب میشد. دقیقاً از آنروز به بعد است که با تالاشهای علمی استاد در زمینه آثار بیدار گر شرق آشنا شدم. بعداً دیدم همه آثار سید با تالاشهای استاد علامه خسروشاهی منتشر می شود.اینک آنچه بخاطر دارم فهرست وار می آوردم.

۱- اسلام و علم

۲- شرح حال جمال الدین به قلم تقی زاده

۳- مقالات جمال شناسی با کوشش استاد خسروشاهی و محمود عنایت در مجله نگین

۴- مقدمه ای بر رساله پرویز لوشایی

۵- سید جمال الدین اسدآبادی بیداری شرق زمین استاد محمد محیط طباطبایی به کوشش و مقدمه استاد خسروشاهی

۶- اسناد منتشر شده درباره سید جمال ایرج افشار

و یحیی مهدوی

۷- تلاش‌های علمی استاد خسروشاهی همراه با علامه واعظ چرندابی

۸- چاپ و نشر ۱۰ جلدی الاعمال الکامله سید جمال الدین اسدآبادی – محمد عثمان امین و دهها و بلکه صدها آثار دیگر

نکته ای که گفتن اش شاید جالب باشد روز و روزگاری قلم بدستان مزدور دوره پهلوی ابراهیم صفائی و اسماعیل رائین درباره سید جمال اراجیفی را منتشر می کردند که استاد خسروشاهی به آنها پاسخ می گفت . و از همه مهمتر پاسخ و نقد آگاهانه و عالمانه استاد بود، برای دکتر محمد حسن میمندی نژاد که در مجله رنگین کمان برای سید جمال مینوشت . استاد در مجله نسل نو که زیر نظر استاد خسروشاهی از طرف دارالتبلیغ اسلامی منتشر می‌شد با تشویق مرجع زمان در مقاله ای زیر عنوان سخنی با بیطار به یاهو سراییهای میمندی نژادی پاسخ گفت و اینکه این محفل و بزرگداشت علمی از سوی وزارت ارشاد و دوستان همدانی در شهر سید جمال برای تکریم و تقدیر زحمات پنجاه ساله استاد خسروشاهی برپا می شود. بسی جای تشکر و تقدیر را دارد که از یک نویسنده اندیشمند پرکار به عمل میآید و گویای قدردانی جامعه ما از احیاگران اندیشه اصلاحی بیدارگران اقالیم قیله محسوب می شود. در پایان دوام توفیق و همراه با عمر با برکت را برای سرور گرامی استاد علامه خسروشاهی آرزو می نمایم و رحمت خداوند را برای پدر بزرگوار ایشان مجتهد وارسته خطه آذربایجان مرحوم آیت ا... سید مرتضی خسروشاهی با دو فرزند گرانقدرش آیت ا... سید احمد خسرو شاهی و آیت ا... سید ابوالفضل خسرو شاهی مسئلت دارم .

والسلام علیکم و رحمت ا...

پاورقی:

۱- تاریخ فلسفه در اسلام، میان محمد شریف، ج ۴، از مقاله محمد عثمان امین استفاده شد

آغاز عصر جدید در جهان اسلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد ثقفی

او با متفکران اروپایی چون وبس بلانت و گوستالوبن هربرت اسپنسر و تولستوی مکاتبه داشت.

و شاید همین نکته وجه تمایز استاد و شاگرد بود سید اخلاق تندى داشت و با اروپائیان بیشتر در حال معارضه و مبارزه بود. البته در دفاع از اسلام، اما شیخ حالت تعامل و تسامح داشت و با مکاتبه و مفاهمه به دنیای آنها پی میبرد و نکته ها و چیزها یاد میگرفت.

و شاید همین انگیزه بود که شمشیر را گذاشت و قلم را برداشت. و عامل عقب ماندگی را نه در ستیز که در خودسازی علمی-تربیتی دانست و از اینجا راه او از راه استادش جدا می شود و شروع به بازسازی ملت مصر و تربیت نسل جدید اسلامی میپردازد.

راهی که می توان گفت: اثرات و ثمراتش بیش از راه و تالاشهای استادش بود. او ابتدا خود و ملت خود را ساخت و برای نهضت الگو نشان داد و همین نکته بسیار مهمی است. عیده کوشش خود را متمرکز بر بیدار کردن مصر از طریق علم-تربیت اخلاقی انطباق نهادهای سنتی اجتماعی با نیازهای حیات معاصر می کرد ا و به عنوان یکی از اعضای هیات اجرایی دانشگاه الازهر تلاش خستگی ناپذیری کرد تا مگر معیارهای مادی ، فرهنگی و اخلاقی این دانشگاه اسلامی را تجدید کند. تاثیر عقاید ازادخواهانه او به زودی محسوس گردید او دوره هایی در علومى دنیوی مانندتاریخ جغرافیات تاریخ طبیعی ریاضیات و علوم فلسفی دایر کرد که قبلاً جزو این دانشگاه نبود و تدریس مقدمه ابن خلدون را الزامی ساخت محصول این تلاش احمد امین قاسم امین و فرید و جدی بود.

راهی که شاید بعد از انقلاب در حوزه علمیه پدید آمد و روحانیان که در آغاز انقلاب پیشقراولان نهضت دینی بودند، بعد از پیروزی چندین دانشگاه علوم انسانی در حوزه علمیه تاسیس کردند. نسل جدیدی متفاوت از نسل قبلی بوجود آوردند که به تعبیر مقام معظم رهبری روشنفکران حوزوی نامیده شدند.

و همچنین در کشور، استاد محمد جواد حجتی کرمانی حفظه ا... دوست ضمیمی همراه استاد سید

دارای اخلاق فاسده می گردد...۱۵»

نگاه سید جمال الدین به پدیده استبداد به عنوان یک انحراف اخلاقی بعد ها مورد توجه متفکرانی مانند عبدالرحمان کواکبی قرار گرفت. کواکبی در کتاب طبایع الاستبداد، استبداد را یک بیماری ای می داند که همه جنبه های حیات انسان را فاسد می کند. او تأثیر استبداد براخلاق و تربیت را خطرناک تر از جنبه های سیاسی و اجتماعی آن می داند.

پاورقی:

۱- بررسی اجمالی نهضت های اسلامی صدر اسلامی صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، ص۳۵
۲- ر.ک: گفتار خوش یار قلی ص ۷۶-۶۵. شرح حال و آثار سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا لطف الله جمالی، برلین ۱۳۰۴ش، ص۳۲-۳۰.
۳- شرح حال و آثار سید جمال الدین، ص ۹۸.
۴- الاثار الکامله، ج ۸و، ص ۱۲۶.
۵- نسا، آیه ۷۸.
۶- جمعه، ۸.
۷- العروة الوثقی، ص۷۸.

۸- ر.ک: عروة الوثقی، ص ۱۴۶-۱۴۲، با بهره گیری از ترجمه خلاصه، استاد محمد رضا حکیمی. ر.ک: بیدارگران اقالیم قیله، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۶ش، ص ۶۰-۵۳.
۹- مجموعه اسناد و مدارک منتشر نشده درباره سید جمال الدین، تصویر۱۸۲ و ۱۸۳.
۱۰- خاطرات جمال الدین، مخزومی، ص ۷۵، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، ر.ک:مفخر شرق، ص ۱۴۵.

۱۱- ر.ک: مفخر شرق، ص۱۴۶.
۱۲- شرح حال و آثار سید جمال الدین، ص ۸۳.
۱۳- سید جمال الدین حسینی پایه گذار نهضت های اسلامی، صدر واثقی، ص ۳۶.
۱۴- نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق

ادامه از صفحه اول

۳- حسن اخلاقی. افغانی ضد استعمار است و طرفدار احیای حقوق ضعفا او بدین عقیده بود که آنچه «مستعمره سازی» می نامند، در معنی ضد آن یعنی « ضد مستعمره سازی» ، « نابودی جمعیت» و ویرانگری است او میان جنگهای مقدس جهاد اسلام که به قصد تبلیغ عقیده انجام می گیرد و جنگهای اقتصادی اروپا که همواره به تابع سازی و اسیر کردن مردمان مغلوب منتهی می گردد فرق می گذاشت. او سوسیالیسم اسلام را که که مبتنی بر عشق ، عقل و آزادی است می ستاید نه کمونیسم مادی که مبتنی بر نفرت خود پرستی و ظلم بنا شده است.

سید مسلمانان را دعوت می کند که از اصل عقلانیت که امتیاز خاص اسلام است استفاده کنند او می گوید : در میان همه ادیان اسلام تقریباً تنها دینی است که کسانی را که بدون دلیل معتقد می شوند سرزنش می کند. به نظر او سعادت عبارت است از درست بکار بردن عقل دقیقاً چیزی را که تقریباً دکارت آنرا بیان رساله درست به کار بردن عقل در عصر جدید از او سرآغاز شده است اعلام می کند. از این جهت سید مذهب مغزله را که عقلانیت را ترویج می کند ترجیح میدهد همچون استاد مطهری و احمد امین

راه شیخ:

اما شاگرد او ، شیخ محمد عبده که می توان شیخ را چکیده مکتب استاد دانست دقیقاً همان راه را می -رود ولی با تفاوتی : تفاوت آنجا است که شیخ حیات اجتماعی مسلمین را تنها در تربیت و اخلاق آنها میدانند. بیداری عملی و نه احساس شروع از خود و الگوی دیگران شدن. شیخ این راه را از خود آغاز کرد: او وقتی به سید پیوست از او، خود را بازشناخت. شیخ هوشی تند و صریح داشت و درباره رفتار آدمیان و قدرت آنها در ارزیابی رویدادها اندیشه ها قطعی ابراز میکرد . او با ارتباط با متفکران اروپایی اطلاعات خود را وسیع تر ساخت و با مسافرتهاى زیاد از طریق آفریقا و اروپا با دنیای گسترده آشنا شد. او می گفت من به این مسافرتها نیاز دارم تا خود را باز سازم از اینکهجهت دوستان متعددی شرقی و غربی داشت.

ادامه از صفحه قبل

همه انحطاط و بد بختی و تیره روزی مسلمانان را به بیگانگان و غریبان نسبت دادن و تنها به شکوه کردن از آن ها بسنده کردن را ناشی از جهل به فلسفه انحطاط می شمرد. او می گفت: واقعیت این است که خرابی از خود مسلمانان است:

«هیچ ملتی در روی زمین محکوم اجانب نشد مگر آنکه نفاق در داخل خود آن ملت افتاد. هیچ درختی طعمه آتش نشد، مگر از خود در خود زایش کرم نمود، هیچ بنای محکمی خراب نشد، مگر شیرازه آن از هم گسیخت، پس نالش از بیگانه چه سود؟ (که با من هر چه کرد آن آشنا کرد)»

بیگانه منافع خود را می نگرد، از او انتظار خیر رسانی نیست، بنابراین اگر خوی افزون طلبی داشته باشد، شرارت خواهد کرد و دشمنی می ورزد، دشمن را باید شناخت، نقشه های او را خواند، همان گونه که نباید به او چشم امید داشت، نمی توان همه مشکلات را هم به گردن وی انداخت.

این نکته ای است که بعد ها مورد توجه اندیشمندان مبارز مسلمان قرار گرفت. چنانکه مالک بن نبی الجزایری بحث «القابلیه الاستعمار» را با همین رویکرد مطرح ساخت، او خوی استعمار پذیری را ناشی از انحطاط فکری و اخلاقی جوامع عقب مانده می داند. سید جمال الدین، استبدادگری و استبداد پذیری را نیز ناشی از انحراف اخلاقی معرفی می نماید.سید استبداد را یک بیماری می داند که اخلاق را فاسد می گرداند.

«بدیهی است استبداد اخلاق را نخست ضعیف و سپس فاسد می سازد. بسا به جایی می رسد که فرزندعزیز دلیند خود را به اندک خلافی چشم بر می کند، گمان مکنید که این استبداد فقط در سلطان چنین کارها کند، بلکه در هر فردی از افراد که یافت شود،

ادامه از صفحه اول

آیت اله غیاث الدین طه محمدی در همایش گرامیداشت سید جمال الدین اسدآبادی با بیان اینکه در برهه های زمانی مختلف ادیان آسمانی رو به کمرنگ شدن رفته اند، اظهار داشت: در هر زمانی نسل بشر بر اثر حیل ه های شییطانی مورد تهدید قرار می گیرد اما با حضور راست قامتانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی



و قیام آنها، این خطر کمرنگ شده است.

وی ادامه داد: ما نباید هیچ گاه نقش آفرینی این راست قامتان و شخصیت های بزرگ را فراموش کنیم و باید در برابر آنها خاضع و فروتن باشیم و سر تعظیم در برابر آنها فرود آوریم.

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان با بیان اینکه ملا حسین قلی همدانی یکی از شخصیت های بزرگ استان به شمار می رود، یادآور شد: این عالم بزرگ توانست ۴۰۰ ولی و عالم را تربیت کند که باید این نقش آفرینی را به فال نیک گرفت.

وی همچنین تصریح کرد: فلسفه وجودی برگزاری مراسم های بزرگداشت شخصیت های بزرگ به این دلیل است که انسان هایی که همچون خورشید در آسمان درخشیده اند مورد توجه قرار بگیرند و به دنیا معرفی شوند. آیت‌ا... غیاث‌الدین طه‌محمدی در پایان گفت: ما بزرگان زیادی داریم و یکی از آنها استاد خسروشاهی است که عمر خود را برای شخصیت فراموش شده سید جمال الدین خرج کرده است.

امام جمعه اسدآباد نیز در این مراسم با اشاره به بیانات امام خمینی (ره) در رابطه با شخصیت سیدجمال الدین اسدآبادی، گفت: سید جمال الدین اولین کسی بود که موضوع بازگشت به اسلام و خیزش جدید به جهان اسلام را مطرح کرد.

حجت الاسلام والمسلمین سید موسی حسینی مجد افزود: به گفته شهید مطهری، سید جمال بیدارسازی را دنیا آغاز کرد و راهکارهایی را برای مقابله با استبداد داخلی و استثمار خارجی به عنوان مزمن ترین درد جامعه ارائه داد. وی با بیان اینکه دغدغه سید جمال الدین اسدآبادی جبران عقب ماندگی مسلمانان بوده است، یادآور شد: این شخصیت تمام عمر خود را صرف این هدف مهم کرد و امروز به برکت تلاش سید جمال الدین اسدآبادی به دیدگاه اسلامی بازگشته ایم و به جایگاه اصلی خود رسیده ایم.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی مجد اظهار داشت: مردم اسدآباد که به وجود سید جمال افتخار می کنند باید استفاده معنوی از این شخصیت را نیز در نظر داشته باشند و باید طوری به اسلام توجه کنند که این شهر به شایستگی نام سید جمال بدرخشد.

وی با بیان اینکه دانشگاه سراسری اسدآباد به نام سید جمال الدین نامگذاری شده است، یادآور شد: این شخصیت افتخار دانشگاهیان و حوزویان اسدآباد و استان همدان است.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی مجد با تأکید بر اینکه باید مشکلات و موانع راه اندازی بنیاد سید جمال الدین اسدآبادی باید برطرف شود، خاطرنشان کرد: امیدواریم با برطرف شدن موانع بتوانیم کنگره سید جمال الدین اسدآبادی را در سطح ملی و بین المللی برگزار کنیم.

وی در پایان یادآور شد: متأسفانه زادگاه سید جمال

الدین در اسدآباد به ویرانه تبدیل شده و اسلام شناسان و توریستان رغبتی برای بازدید از منزل سید جمال ندارند و باید بازسازی شود که نیاز به توجه مسئولان استان دارد.

تلاش برای بازگرداندن هویت ایرانی و اسدآبادی سید جمال

نماینده مردم اسدآباد در مجلس شورای اسلامی هم به محض ورود به سالن به همراه وزیر، استاندار و هیات همراه آن به جایگاه رفت و گفت: خواسته نخست این است که روز ۱۸ اسفندماه به نام شهر اسدآباد ثبت شود. بهروز نعمتی اظهار کرد: در برخی مجامع بین‌المللی نام سید جمال‌الدین اسدآبادی به نام افغان به ثبت رسیده که این امر ظلم بزرگی به ملت ایران است و نه تنها مردم اسدآباد و استان همدان بلکه تمام کشور از این لحاظ متضرر خواهند شد. به گفته وی مکاتبات و اسناد تاریخی برای اثبات هویت سید جمال‌الدین وجود دارد که باید برای بازگرداندن هویت ایرانی و اسدآبادی به سید جمال‌الدین تلاش کنیم.

همچنین تصویب اساسنامه بنیاد سید جمال‌الدین اسدآبادی خواسته مردم اسدآباد از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است که باید در اولویت کاری این وزارتخانه قرار گیرد.

وی بیان کرد: بنیاد علمی فرهنگی سید جمال‌الدین اسدآبادی سال‌هاست که تشکیل شده، اما اساسنامه این بنیاد هنوز در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نرسیده است که باید در ساماندهی آن تسریع شود. البته بنیاد تشکیل شده است اما اساسنامه ندارد؛ یعنی اعتبار ندارد و بودجه‌ای تخصیص نمی‌یابد.

نعمتی با بیان اینکه اسدآباد شهری فرهنگی و نخبه‌پرور است، اظهار کرد: فعالیت این بنیاد می‌تواند در رشد و توسعه فرهنگی زادگاه بیدارگر مشرق زمین، بسیار اثرگذار باشد. وی از نیمه‌تمام بودن طرح بنای یادبود سیدجمال گفت و اینکه تکمیل این بنا و تملک اراضی و بناهای اطراف هم نیاز به اختصاص ۱۰ میلیارد ریال اعتبار دارد؛ در این باره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به طور ویژه کمک کند.

راه‌اندازی بنیاد سید جمال

استاندار همدان هم بر روی سن رفت و از سید جمال‌الدین به عنوان یکی از مفاخر بزرگ و ارزشمند استان یاد کرد.

نیکبخت با قدردانی از سخنرانی امام جمعه همدان گفت: سخنرانی بدون آمادگی امام جمعه قابلیت انتشار و چاپ هم دارد. البته باید گفت که وزیر فرهنگ و ارشاد نسبت به اسدآباد تعلق خاطر دارد، زیرا طاغوت با همه خام‌نگری، آیت‌ا. جنتی (پدر وزیر) را به اسدآباد تبعید کرد، ولی نمی‌دانست اسدآباد جایگاه و پایگاه تربیت مصلح بیدارگر است و همین مهم سبب شده است که تعلق خاطر خوبی را به این شهرستان داشته باشد.

وی از وزیر خواست بنیاد سید جمال‌الدین با مشارکت طرفین و به صورت آبرومندانه‌تر دایر شود و افزود: البته من هم همت می‌کنم تا بنیاد ایجاد شود.

به گفته استاندار، قرار شده است بزرگان و علمای خطه همدان را شناسایی و معرفی کنیم. همچنین باید برای همه بزرگان شناسنامه داشته باشیم و تألیفات آنها را چاپ و تجدید چاپ کنیم.

استاندار همدان با بیان اینکه بزرگان زیادی در همدان وجود دارند و سال ۹۴ سال میر سید علی همدانی نامگذاری شده است، بیان کرد: وزیر فرهنگ و ارشاد دعوت حضور در کنگره بزرگداشت میر سید علی همدانی را قبول کردند. البته قصد داریم بزرگداشت سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال ۹۴ به گونه‌ای برگزار شود که سال ۹۵ به نام سید جمال نامگذاری و از اکنون باید برای این مسأله کار شود.

تجلیل از استاد خسروشاهی

برگزاری همایش مصلح بیدارگر

سید جمال الدین اسدآبادی از محورهای نهضت تاریخ ساز اسلامی قرون است

آقای جنتی در همایش مصلح بیدارگر گفت: سید جمال الدین اسدآبادی از محورهای نهضت تاریخ ساز اسلامی قرون اخیر به شمار می‌رود.

وی افزود: سید جمال به عنوان بارقه‌ای آغازگر، فضای پس از خود را روشنی بخشید و از اواسط قرن ۱۳ هجری به بعد جنبش های اصلاحی در جهان اسلام آغاز شد. او ادامه داد: این جنبش ها که تا حدی در واکنش به هجوم استعمار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غرب پدید آمد، نوعی تجدید حیات و بیدار سازی در جهان اسلام را به دنبال داشت.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این‌که سید جمال الدین اسدآبادی شخصیتی سراسر جوش و خروش با کلام و قلمی آتشین است که با تمسک به کلام جاودانه خداوند امت اسلامی را به مقابله به استبداد و استعمار و بازگشت به خویش فرا می خواند، افزود: سید جمال الدین اسدآبادی از چهره های خود ساخته‌ای است که در نتیجه آشنایی با ساحات گوناگون فرهنگ درخشان اسلامی و تحمل مشقات و رنج آوارگی ومخاطرات توفیق یافت تا جوهر پویایی اسلام را به جوامع غفلت زده اسلامی بشناساند.

جنتی با اشاره به این‌که سید جمال الدین اسدآبادی همبستگی دین و سیاست را ضرورت مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی می دانست و اولویت او بیدارسازی وجدان مسلمین برای مبارزه با استبداد و استعمار بود، گفت: آرمان اصلاحی سید جمال الدین جامعه‌ای اسلامی است که وحدت در سراسر آن حاکم باشد.وی با بیان این‌که سید جمال‌الدین در محضر دو



شخصیت بزرگ جهان اسلام شیخ مرتضی انصاری و ملا حسین قلی همدانی درس آموخته بود و علاوه بر جهان اسلام با جهان غرب آشنایی و گذشته از فارسی و عربی به زبان های انگلیسی، فرانسه و روسی تسلط داشت، افزود: سید جمال الدین به آسیا و اروپا سفر کرد و با شخصیت های مهم علمی و سیاسی جهان دیدار و گفتگو کرد و این‌گونه اقدام ها به او دیدی وسیع و شناختی عمیق از اوضاع و شرایط زمانه اش بخشیده بود. وی با بیان این‌که سید جمال‌الدین یکی از بزرگترین نمایان وحدت اسلامی در طول تاریخ است که اعتقاد داشت نباید آرمان وحدت را فدای مسائل نژادی و مسلکی کرد چراکه مسلمانان از فارس، عرب، ترک، مصری، مغربی و هندی امتی واحد هستند که به یک دین تعلق دارند، ادامه داد: به گفته مقام معظم رهبری سید جمال کسی بود که برای نخستین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد و کسی است که موضوع حاکمیت و خیزش و نهضت اسلام را برای نخستین بار در فضای عالم به وجود آورد و سید جمال مطرح کننده، به وجود آورنده و آغاز گر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است که این مهم را نمی شود دست کم گرفت.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: سید جمال الدین اسدآبادی نخستین کسی بود که استعمار غرب را شناساند همچنان که شهید مطهری در کتاب بررسی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر در مورد سید جمال می گوید بدون تردید سلسله جنبان نهضت های اسلامی ۱۰۰ سال اخیر سید جمال الدین اسدآبادی

معروف به افغانی است و او بیداری کشورهای اسلامی را آغاز کرد و دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاصی درمان و راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این‌که سید جمال الدین برای ابلاغ رسالت خود ۳۰ سال کوشید و تحمل مصیبت ها کرد و هر کجا رفت مورد هدف، تهمت و آزار قرار گرفت، افزود: سید جمال الدین اسدآبادی هر جا بذری افشاند برای این‌که بار نیاید حیل ه ها کردند ولی او مقابله کرد و از تلاش فرو ننشست تا این‌که پس از ۳۰ سال کوشش در زندان عبدالحمید محبوس و معدوم شد ولی بذری کاشته او در ایران، عثمانی، مصر، هند و افغانستان جوانه زد.

وی با بیان این‌که سید جمال‌الدین اسدآبادی با فکر روشن، توانا، اراده نیرومند و عقیده ثابت و زبان گویا و قلم نیرومند کاری را در خاورمیانه عملی کرد که در نقاط دیگر جهان بدون کمک توپ و تفنگ میسر نمی شد، ادامه داد: تردیدی نیست که روزگار کنونی با عصر سید جمال تفاوت دارد و در روزگار او امت اسلام آمیدی به آینده نداشت و متفکرانی چون او در ۱۰۰ سال گذشته برای روز سیاه مسلمانان مرثیه سرایی می کردند همچنین افق روشنی در دنیای اسلام دیده نمی شد و مستکبران تازه نفس به سرزمین های اسلامی وارد شده و زبان و حکومت‌های اسلامی را در دست گرفته بودند و از غفلت و خواب ملت های مسلمان سوء استفاده می کردند.

جنتی در رابطه با ثبت نام سید جمال الدین اسدآبادی در یونسکو، گفت: برخی می خواهند بسیاری از شخصیت های بزرگ و برجسته علمی، فرهنگی و سیاسی کشور را به تدریج مصادره کنند اما همه امروز می‌دانند با توجه به این‌که مقالات و کتاب ها و آثار سید جمال الدین متعلق به این کشور، استان و شهر است اصلا نباید نگران بود که اسم سید جمال را سید جمال‌الدین افغانی گویند و مصادره کنند.

وی با بیان این‌که بسیاری از شخصیت ها مثل ابن سینا، مولانا و غیره وجود دارند که همه در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران بوده اند و همه به ایران تعلق دارند، افزود: مولانا در قونیه دفن است و زادگاه او در بلخ بود ولی همه او را متعلق به ایران می دانند و کسی او را متعلق به ترکیه نمی داند، همچنین ابن سینا و میر سید علی همدانی که از شخصیت‌های برجسته ایران هستند جزو حوزه تمدنی ایران هستند.

تجلیل از نیم قرن تلاش استاد سید هادی خسروشاهی، پژوهشگر برتر در عرصه سید

جمال‌شناسی و رونمایی از کتاب «هویت تاریخی سید جمال‌الدین اسدآبادی» با موضوع اهلیت و مذهبی سید جمال به قلم سید رضا ابوالقاسمی یکی از نوادگان وی، پایان بخش همایش مصلح بیدارگر بود.

اهداء سیاستنامه

در پایان مراسم، از استاد سیدهادی خسروشاهی دعوت به عمل آمد که برای اخذ سیاستنامه به جایگاه بروند و ایشان پس از آنکه در جایگاه قرار گرفتند از برگزارکنندگان این همایش، سپاسگزاری کرده و از حضار محترم و مردم اسدآباد و دانشجویان تشکر نمودند که با حضور خود، جلسه همایش را پرشکوه ساختند. آنگاه استاد خسروشاهی به جناب آقای دکتر علی جنتی وزیر محترم ارشاد اسلامی و آیت الله محمدی امام جمعه همدان و استاندار محترم همدان و فرمانداری اسدآباد پیشنهاد دادند که در ثبت و تأسیس بنیاد سید جمال الدین زودتر اقدام کنند و ردیف بودجه‌ای هم تعیین شود که بنیاد بتواند مجموعه آثار سید را به فارسی و عربی و انگلیسی منتشر سازد و البته افرادی را موظف نماید تا اسناد مربوط به سید جمال الدین را از آرشیو وزارت خانه های: هند، افغانستان، روسیه، ترکیه، مصر و فرانسه جمع آوری کنند تا منتشر گردد.

استاد خسروشاهی توضیح داد که با تلاش فردی، مجموعه اسناد سید جمال الدین در وزارت خارجه انگلستان و ایران توسط ایشان جمع آوری و از سوی مرکز پژوهش های اسلامی وزارت امور خارجه ایران منتشر شده است... اما این ها، همه اسناد مربوط به سید نیست و بقیه نیز باید توسط بنیاد جمع آوری و تنظیم و انتشار یابد.

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی	
شماره ۲۴	پشت ۵
شماره مسلسل ۱۴۹۴	
نیمه دوم اسفند ۱۳۹۳	مذهبی
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

قبل آن و با آن و بعد از آن دیدیم.

حضرت فاطمه(س) واقعا کمال ولایت و صاحب ولایت مطلقه است. حضرت، قرآن مجسم و ناطق به کلام الله است. قرآن ناطق است. شأن و مقام بالایی دارد و عالم اسلام اگر می خواهد اسلامی بماند باید به این مسائل توجه کند. مخصوصا به ائمه معصومین(ع) که سلاله پاک حضرت زهر(اس) و حاصل دعای حضرت ابراهیم(ع) هستند که حضرت ابراهیم(ع) درباره ذریه خودش دعا می کرد چنانچه در سوره بقره آمده است که «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِنَا اُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ». چنانچه در سوره بقره آمده است: «وَ اِذْ اٰتٰیْنَا اِبْرٰهٖمَ رُبَّہٗ بِکَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ» حضرت ابراهیم(ع) همیشه در مورد ذریه خود دعا می کرد، چنانچه در سوره بقره آمده است. این ذریه که در دعای حضرت ابراهیم(ع) در بقره و در آیات دیگر قرآن آمده است، ائمه(ع) هستند.

***در کتب مقدس یهودیت و مسیحیت، شخصیت حضرت زهر(اس) چگونه معرفی شده است؟**

وجود مبارک آنها در تورات هم پیش بینی شده است. در اول کتاب اول در سفر تکوین داستان حضرت ابراهیم(ع) و حضرت هاجر(س) است که در قرآن آمده است. آمده که بعد از ناراحتی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت هاجر(س)، وحی آمد که من نسل او را به تعداد ستارگان آسمان می کنم و از ذریه او ۱۲ پادشاه خواهد آمد که به نظرم اشاره به ۱۲ معصوم از فرزندان حضرت علی(ع) و فاطمه(س) دارد. همچنین به حضرت هاجر(س) در مکه هم در مورد ذریه حضرت اسماعیل(ع) الهامانی شده بود که در این کتاب آمده است. نام پنج تن در کتاب انجیل هم آمده است.

***به غیر از آیاتی که در مورد اهل بیت(ع) و حضرت زهر(اس) نازل شده در تفسیر عرفانی نیز آیاتی مانند مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیَانِ* بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا یَبْیْنُیَانِ را به شخصیت اهل بیت(ع) و حضرت تفسیر می کنند؟**

بله! این آیه اشاره به دو دریای ولایت علوی و فاطمی دارد که به هم آمیختند و فرزندانی مانند امام حسن(ع) و امام حسین(ع) متولد شدند که حضرت رسول(ص) در مورد آنها فرمود: «الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ اِمَامَانِ قَامَا اَوْ قَعَدَا» این دو پسر امام و پیشوا هستند، بنشینند یا برخیزند. ایستاده و نشسته امام هستند؛ یعنی امامشان چه ظاهر شود چه ظاهر نشود، امام هستند. یک نکته را نباید فراموش کنیم و آن اینکه اگر ائمه(ع) به مقام امامت ظاهری رسیدند یا نرسیدند امامت باطنی آنها هیچ وقت زایل نمی شود. حضرت علی(ع) وصی رسول الله(ص) است. اگر به خلافت انتخاب می شد یا نمی شد شأن الهی او در ولایت محفوظ است. عبدالله، ازلا و ابدا امام است. امامت از بین رفتنی نیست. خوشا به حال کسانی که او را بشناسند و وای بر حال آنهایی که حق آنها را نشناختند و یا شناختند و حشاشن را گرفتند. امامت یک شأن بشری نیست که با همراهی نکردن مردم با آنها چیزی از آنها کاسته شود. بنابراین رجوع ما همیشه باید به ولایت آنها باشد. عالم اسلام باید خود را احیا کند و شأن آنها را بشناسد. معرفت الهی در نزد آنهاست.

***حضرت زهر(اع) در هدایت خلق به سوی خداوند چه نقشی دارند؟**

حضرت رسول(ص) فرمودند: «أنا مدینه العلم و علی بابها» چون ائمه(ع) از نور واحد هستند پس همه آنها باب علم هستند. آنها نمونه اعلاّی هدایت هستند. دین هم چیزی جز هدایت نیست. هدایت هم با ولایت الهی امکان پذیر است. بنابراین در اینجا شأن ائمه(ع) و امّ الائمه(س) مشخص می شود. اهل سنت و خصوصا عرفای آنها به اهل بیت(ع) بسیار احترام می گذارند. فقط وهابی ها جاهل به مقام اهل بیت(ع) هستند در صورتی که علم هدایت در نزد آنهاست.

دکتر اعوانی:

ولایت حضرت زهرا(سلام الله علیها) پنهان مانده است

برداشته شود دین فاسد می شود؛ چنانچه می بینیم در ادیان دیگر خاصه در ادیان ابراهیمی، یهود و مسیحیت، ولایت رفت و به چیز دیگری تبدیل شد. بنابراین ما باید ببینیم که ولایت الهیه چیست که باطن همه ادیان است و حضرت فاطمه(س) چه مقامی دارد.

چهارده معصوم، لبّ ولایت هستند. حضرت رسول(ص) خاتم نبوت و خاتم ولایت است، منتها ظهور او به رسالت است نه به ولایت، ولی باطن ولایت را دارند، همان طور که حکمای الهی در این باره بحثهای کافی و وافی و شافی کردند که لا مزید علیه و ما باید این بحثها را بخوانیم. باطن رسالت و نبوت، ولایت است. اگر ولایت را برداریم اصلا نبوتی باقی نمی ماند. اگر ولایت را برداریم اصلا رسولی باقی نمی ماند. جنبه لدالّلهی و لدالحقی ولایت که رو به سوی حق دارد و انسان را به حق و خداوند می رساند منظورم هست نه جنبه لدالخلق. امروزه بیشتر به جنبه لدالخلق و ولایت توجه دارند. درست است که ولایت جنبه لدالخلق دارد ولی اصل آن جنبه لدالحقی است و اگر جنبه لدالحقی را برداریم اصلا نبوتی باقی نمی ماند. اگر ولایت را برداریم نبوت و رسالتی باقی نمی ماند، پس ولایت باطن همه ادیان است.

حضرت فاطمه(س) دارای ولایت مطلقه الهیه هستند. ما باید واقعا ولایت را از دید یداللحقی توجه کنیم که جنبه حقی دارد. این خیلی اهمیت دارد. عالم اسلام درست نمی شود، مگر اینکه رابطه خودش را با ولایت لدالحقی که هم جنبه لدالخلق دارد و هم جنبه لدالحقی دارد، درست کند. اگر ولایت لدالحقی برود، دین از بین می رود. امروزه گرایشهایی در جهان اسلام پدید آمده است که توجه صرف به ظاهر است و ولایت در آنها راهی ندارد. حضرت زهر(اس) پدري مانند حضرت رسول(ص) و زوجی مانند حضرت علی(ع) داشتند. بسیاری از اصحاب، حضرت را از پیامبر(ص) خواستگاری کردند ولی حضرت قبول نکرد، ولی وقتی حضرت علی(ع) خواستگاری کردند حضرت قبول کردند و این در حقیقت یک تزویج الهی بود.

***بعد از رحلت حضرت رسول(ص) چه کسی وارث این ولایت است؟**

تنها اولیاء الله می توانند چنین ادعایی کنند که همان اهل بیت(ع) هستند. البته مؤمنان به طور عام. «الله وِلّیّ الذّیْنِ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی التُّوْرِ» به طور عام کسی که مؤمن است از ولایت بهره مند می شود. «الله وِلّیّ الذّیْنِ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی التُّوْرِ». «الولی» اسمی از اسمای الهی است. رسول اسم خداوند نیست، خداوند، رسول نیست. نبی هم اسم خدا نیست. خداوند در قرآن می فرماید: «هُوَ الْوَلِیّ»، او ولی است. الولی یعنی ولایت تامه از آن خداست. اهل بیت(ع) و چهارده معصوم(ع) ظهور ولایت الهیه هستند. با حضرت رسول(ص) رسالت به تمام می رسد ولی عهد ولایت و وصایت آغاز می شود و این تجلی او در امامت به معنای اصلی کلمه است که باطن امامت، ولایت است، یعنی اگر ولایت الهیه را برداریم، امام هم باقی نمی ماند.

حضرت رسول(ص) اصلاّ قرآن بودند. «کان خلقه القرآن». خلق او همه قرآن بود؛ یعنی اگر کسی می خواست قرآن ناطق را ببیند تجسم و تحقق آن را در حضرت رسول(ص) می دید و بعد از او در ائمه(ع) است. یعنی تمامی قرآن و قرآن ناطق بودند و هیچ کسی به غیر از آنها نمی تواند ادعا کند که قرآن ناطق است و الان مسئله ای که در عالم اسلام دیده می شود اسلام منهای ولایت الهیه است. ولایت لدالحقی خالی مانده اگر این گونه باشد دین از بین می رود، چنانچه ادیان دیگر رفتند و این مسأله در جهان ما بسیار مهم است.

***برخی ها زنان را دارای مقامی پایین تر از مردان می دانند و برای همین می گویند زنان نمی توانند به مقام بالایی برسند اما شخصیتی چون حضرت زهرا به چنین جایگاهی در عالم خلقت می رسد.**

فقط مردان ولایت ندارند. زنان همانند مردها می توانند بهره مند از ولایت باشند، چنانکه در ایمان این گونه است. چنانچه مقام حضرت زهر(اس) کمتر از هیچ امام

خبرگزاری مهر به منظور بررسی و معرفی شخصیت بانوی دو عالم به گفت‌وگو با دکتر غلامرضا اعوانی، استاد فلسفه، رئیس هیئت مدیره انجمن حکمت و فلسفه ایران و رئیس انجمن بین المللی فلسفه اسلامی پرداخته است که در ادامه می خوانید:

***حضرت فاطمه زهرا(س) از نظر شأن و جایگاه در نزد حضرت رسول(ص) و در روایات چگونه معرفی شده اند؟**

شأن معنوی و الهی حضرت فاطمه زهر(اس) بر بیشتر مسلمانان مجهول است. آحادی از مسلمانان هستند که به این مسئله توجه دارند که حضرت زهر(اس) عندالله چه مقام والایی دارند. ایشان بسیار مورد توجه حضرت رسول(ص) هستند. حضرت وقتی می خواستند به سفر بروند آخرین شخصی که با او خداحافظی می کردند حضرت زهر(اس) بودند که به منزل ایشان می رفتند و از ایشان خداحافظی می کردند. وقتی هم که از سفر بر می گشتند اول به خانه حضرت فاطمه(س) می رفتند و دست ایشان را می بوسیدند. این کارها بسیار معنا و مفهوم دارد. حضرت رسول(ص) با آن مقام، دست حضرت فاطمه(س) را می بوسید و با دیدن ایشان از جای خود بلند می شدند. حضرت رسول(ص) به چند مناسبت و در چند جافرمودند: «فاطمه بضعة منی ...» یعنی فاطمه جگر گوشه و جگرپاره من است. هر کس او را آذیت کند، مرا آذیت کرده است و هر کس مرا آذیت کند خدا را آذیت کرده است. روایات بسیار زیادی در مورد شخصیت حضرت زهرا وجود دارد.

***سوره کوثر و آیات زیادی مانند آیه تطهیر، مباحله، سوره انسان و ... در شأن و مقام اهل بیت(ع) نازل شده است، یکی از مهمترین آیات، آیات مباحله است که در آنجا به ویژگیهای بارز حضرت توجه شده است.**

بله! همان طور که گفتید آیات زیادی در مورد شخصیت اهل بیت(ع) و حضرت زهر(اس) نازل شده است. در آیه مباحله آمده است: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَّنْهُ اَللّٰهَ عَلٰی الْكَاذِبِیْنَ»، «تَعَالَوْا» از «عَلُو» می آید به معنای عَلُو و بالایی است یعنی قدری خودتان را بالا بکشید و ببینید دارید چه کار می کنید، معمولا کسانی که بالا هستند به کسانی که پائین هستند می گویند «تَعَالَوْا» یعنی بیایید بالا. «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا»، حضرت رسول(ص) که پسر نداشته است، منظور از «أَبْنَاءَنَا»، حسنین(ع) بودند که در واقعه مباحله همراه پیامبر(ص) آمده بودند. «وَنِسَاءَنَا» که منظور حضرت فاطمه زهر(اس) است. «وَأَنْفُسَنَا» فرمود: «أَنَا وَ عَلٰی مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» من و علی از یک نفس هستیم.» اینها تعابیر مهمی است. دنیای امروز اسلام به اینها نیاز دارد. «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ»، حضرت(ص) رسول یک نفس بوده، پس چه کسی برابر با نفس اوست؟ همان که فرمود: «أَنَا وَ عَلٰی مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ».

***در حدیثی از امام حسن عسکری(ع) آمده «نحن حجج الله علی خلقه و جدتنا فاطمة حجة الله علینا» با توجه به این حدیث جایگاه و مقام حضرت فاطمه زهر(اس) چگونه تبیین شده است؟**

مسأله شناخت شخصیت و مقام حضرت فاطمه زهر(اس) به مسأله بسیار مهمی بر می گردد که توجه کافی و شایسته به آن نشده است. صورتش هست اما باید به باطن و معنای آن بیشتر پرداخته شود که آن مسأله ولایت است. اولیاء الله در قرآن بسیار آمده است عده ای از مسلمانها به این مسئله کمتر توجه کردند. «أَلَا اِنَّ اَوْلِیَّاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ» آیات بسیاری در مورد ویژگیهای اولیاء الله هست؛ یک آیه همین آیه هست که خواندم. هر کسی ولی خدا نیست. فرمود اولیاء خداوند کسانی هستند که «اِنَّ عِبَادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطٰنٌ» اولیاء الله کسانی هستند که شیطان نمی تواند در آنها تصرف کند، آنها معصوم هستند.

باطن دین ولایت الهی است. ولایت الله است. ولایت حقیه الهیه ولایتی که ما حضرت علی(ع) و ائمه(ع) را به آن می شناسیم. ولایت، باطن همه ادیان است و اگر

اشاره‌ای به حوادث دوران انقلاب؛ ماجرای یک تبعید و یک گذشت

استاد سید هادی خسروشاهی



۱۳۵۶، استاد سید هادی خسروشاهی، آیت الله پسندیده به اتفاق آیت الله مکارم شیرازی در تبعید

محرک واقعی تشخیص شده‌اند و ادامه حضور آنان در شهر قم مخالف با مصالح عمومی و نظم و آسایش اهالی شهر است. آقای رئیس شهربانی اظهار داشتند: کلیه اظهارات نماینده نخست‌وزیری و سوابق و گزارشها مورد تأیید این جانب نیز هست. درخواست رسیدگی و صدور حکم اقامت اجباری افراد فوق‌الذکر را دارم. کمیسیون: با توجه به اظهارات نماینده نخست‌وزیری و با در نظر گرفتن پیشنهاد رئیس شهربانی مستند به سوابق محرمانه و گزارشهای موجود، حکم اقامت اجباری افراد مفصل‌الاسامی ذیل را به مدت ۳ سال اقامت اجباری در شهرستان انارک نائین صادر می‌نماید.

- ۱- سید صادق روحانی، فرزند میرزا محمود، شغل آیت‌الله به انارک نائین. (۱)
- ۲- سید هادی خسروشاهیان، فرزند سید مرتضی، شغل محصل علوم دینی، به انارک نائین.
- ۳- احمد کلاتر، فرزند سلطان، شغل واعظ، به انارک نائین.
- ۴- عباس ضیغمی، فرزند یحیی، واعظ، به انارک نائین، از توابع استان اصفهان.

رژیم شاه برای سرکوب نهضت اسلامی ایران و هواداران و فعالین و افراد وابسته به آن، به هر وسیله‌ای متوسل می‌شد: از زندان و اعدام گرفته تا ترور شخصیتی و تبعید به نقاط مختلف کشور... در واقع یکی از آخرین ابزار رژیم و ساواک، دستگیری و تبعید عناصر برجسته و فرهیخته و تأثیرگذار بود که به اتهام «اخلال در نظم و آرامش عمومی»! به شهرهای مختلف و عمدتاً به نقاط دور افتاده و بدآب و هوا، فرستاده می‌شدند.

هدف رژیم، به تصور خود، ساکت کردن افراد و دور نمودن عناصر شاخص از متن جامعه و از میان توده‌های مردم به‌پاخاسته بود و برای همین منظور نقاطی چون: ایران‌شهر، چاه‌پهار، ماهدشت، زاهدان، زابل، سنندج، مهاباد و «انارک» یزد و... تبعیدگاه علما و فضلا و بعضی از عناصر فعال و مبارز بازاری و دانشگاهی شده بود... و این امر در اواخر، اوج بیشتری یافت و بنده در انارک یزد، فهرستی از اسامی حدود صد نفر از علما و فضلا و وعاظ تبعیدی را جمع کردم که در ذیل اعلامیه تند، خطاب به جمشید آموزگار که تازه رئیس دولت شده بود و مدعی بود که کسی جز بعضی از عناصر «اخلالگر» و «آشوب‌طلب» دستگیر و یا تبعید نشده است، منتشر گردید. اعلامیه را بنده نوشته بودم؛ اما مرحوم آیت‌الله پسندیده و استاد بزرگوار، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، در مشورتی، صلاح ندیدند که اعلامیه با امضای حقیر منتشر گردد و احتمال دادند که با واکنش تند از سوی رژیم روبرو گردم؛ ولی من کیی آن را برای آقای احمد بنی‌احمد - نماینده تبریز در مجلس شورا - که از دوستان و همشهری من بود و روزنامه «عصر جدید» را در تبریز منتشر می‌ساخت، فرستادم که عیناً آن را در مجلس تکتیر و پخش کرد.

... در یکی از دیدارهای هفتگی آیت‌الله شهید شیخ محمد صدوقی، با تبعیدشدگان در انارک، موضوع مطرح شد و ایشان هم نظر آن دو بزرگوار را تأیید کرد ولی اضافه نمود: «من حاضر اعلامیه شما را با امضای خود منتشر سازم که مشکلی برای دوستان تبعیدی ایجاد نشود...» و من متن اعلامیه را به ایشان تحویل دادم که چند روز بعد، نسخه‌های چاپ شده آن را برای ما فرستاد.

این نوع اقدامات غیرمنطقی رژیم، در واقع یکی از آخرین ترفندها و ابزار سرکوب بود که با تبعید امام خمینی به ترکیه آغاز شد و سپس شامل حال بسیاری از بزرگان و علما حوزه‌های قم و مشهد و شیراز و... گردید؛ اما در عمل، این ابزار، برضد خود رژیم به کار گرفته شد و همه دوستان تبعیدی، به آگاهی‌بخشی مردم، در دورافتاده‌ترین نقاط کشور پرداختند و ناگهان رژیم فهمید که با تدبیر غلط خود، دامنه نهضت را گسترده‌تر کرده و به اطراف و اکناف کشور گشانده است و اما این «هجم» همانند شنیدن دیر هنگام «صدای انقلاب مردم» توسط شاه، دیگر کارساز نبود...

تبعید به انارک یزد

یکی از این ماجراها، صدور حکم تبعید سه ساله آیت‌الله سیدمرتضی پسندیده، آیت‌الله سیدصادق روحانی، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، حجت‌الاسلام سیداحمد کلاتری، حجت‌الاسلام شیخ عباس ضیغمی و این جانب، به انارک یزد بود. حکم از طرف «کمیسیون امنیت اجتماعی» شهر قم صادر شده بود که متنش پس از پیروزی انقلاب به دست آمد و چنین بود:

«صورتجلسه کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی

ساعت ۱۱:۰۰ روز ۲۳/۲/۳۷ شاهنشاهی بنا به دعوت تلفنی آقای فرماندار شهرستان قم، کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی طبق تقاضای نماینده نخست‌وزیری با حضور امضاکنندگان ذیل در دفتر کار آقای فرماندار تشکیل، آقای فرماندار اظهار داشتند تشکیل کمیسیون به منظور رسیدگی به وضع پنج نفر از عاملین و محرکین واقعه اخیر قم است که نتیجه آن کشته‌شدن عده‌ای از افراد و واردشدن خسارت سنگینی به بانکها و تأسیسات عمومی و اخلال نظم و سلب آسایش مردم است.

اسامی این عده که از طرف نماینده نخست‌وزیری و رئیس شهربانی شهرستان قم اعلام گردیده، به شرح زیر است:

- ۱- سیدصادق روحانی، فرزند میرزا محمود، آیت‌الله، متولد ۱۳۰۷ قم، شناسنامه ۲۹۷۹۵ قم، ساکن قم.
- ۲- سید هادی خسروشاهیان، فرزند سید مرتضی، محصل علوم دینی، متولد ۱۳۱۷ تبریز، شناسنامه ۵۵۲۹۵ تبریز، ساکن قم.
- ۳- احمد کلاتر، فرزند سلطان، واعظ، متولد ۱۳۱۴ تهران، شناسنامه ۴۰۳۱۷ تهران.
- ۴- عباس ضیغمی، فرزند یحیی، واعظ، متولد ۱۳۱۸ سیرجان، شناسنامه ۲۰۳ سیرجان.
- ۵- مرتضی پسندیده، فرزند مصطفی، شماره شناسنامه ۱۳۸ خمین، متولد ۱۲۷۴ خمین.

نماینده نخست‌وزیری اظهار داشته: طبق گزارشهای محرمانه که تماماً مورد تأیید این جانب است و نوارها و اعلامیه‌های صادره از طرف افراد مذکور در جریان وقایع اخیر قم، نامبردگان در تحریک احساسات عمومی بر ضد مقدسات ملی و برهم زدن نظم و آسایش عمومی، عاملین اصلی و

۵- مرتضی پسندیده، فرزند مصطفی، به انارک نائین از توابع استان اصفهان.

ضمناً با توجه به اهمیت موضوع و اینکه حضور نامبردگان در شهرستان قم مخل نظم عمومی است، کمیسیون قرار اجرای موقت حکم فوق را با موافقت جناب آقای استاندار استان قم مرکز صادر می‌نماید. این رأی پس از ابلاغ، ظرف ده روز از طرف متهمین در دادگاهها استان قم مرکز پژوهش‌پذیر است.

فرماندار شهرستان قم: حسین جامعی. رئیس دادگستری شهرستان قم: کاظم فاطمی شریعت‌پناهی. دادستان شهرستان قم: رضا ملک‌شاهی. نماینده نخست‌وزیری: محمود معینی. رئیس شهربانی قم: سرهنگ ابوالحسن قائم‌مقامی - فرمانده هنگ ۲ ژاندارمری قم - سرهنگ ستاد محسن روان‌بی.

... به دنبال صدورحکم و اجرای آن در حق این افراد، اقداماتی از طرف بعضی از مراجع به عمل آمده بود تا افرادی چون آیت‌الله پسندیده، تبعیدی نودساله و این جانب آزاد شوند؛ اما ساواک در گزارشی به مقامات بالاتر مدعی شده بود که این افراد، اخلالگران و مسئولان اصلی آشوب و «قیام مردم قم» هستند و کمیسیون امنیت شهر، تبعید آنها را ضروری دیده و حکم اجرا شده است.

نکته جالبی که در گزارش بدی ساواک درباره این جانب آمده و اوج حماقت تهیه‌کنندگان آن را نشان می‌دهد، این بود که گویا بنده نه تنها «وابسته به جبهه ملی سابق» بوده‌ام، بلکه «دارای انگیزه‌های کمونیستی»! هشتم که به همین دلیل به سه سال اقامت اجباری در انارک محکوم شده‌ام. (و البته همه موضع بنده را در قبال جبهه ملی و رئیس آن، می‌دانند و آثار تالیفی یا ترجمه‌ای بنده درباره کمونیسم هم بارها تجدیدچاپ شده بود.)

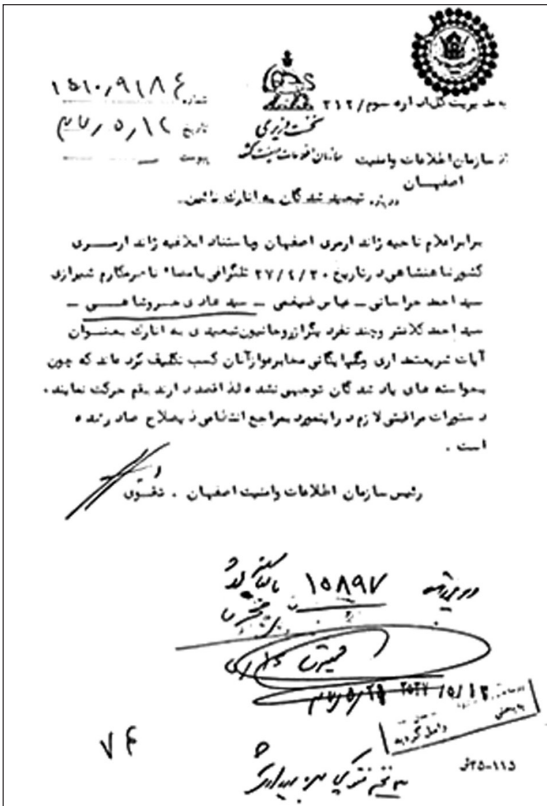
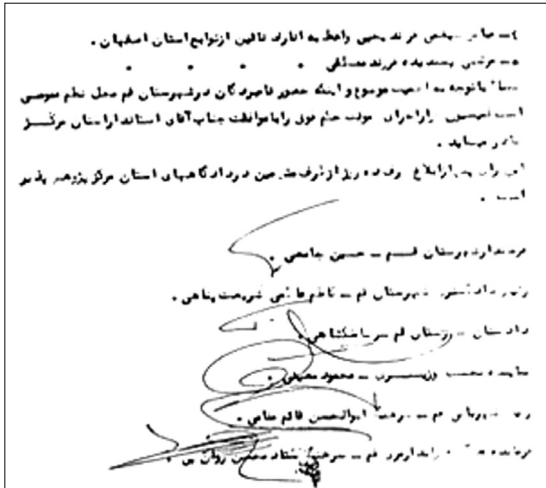
یاران امام، به روایت آیت‌الله پسندیده

... نقل سطوری از این گزارش ساواک، از کتاب: «یاران امام، به روایت آیت‌الله پسندیده چاپ تهران، صفحه ۴۳۵ و ۴۳۶ بی‌مناسبت نیست:

۲- چون سیدهادی خسروشاهیان - داماد سیدصادق روحانی - مغز متفکر و ایده‌دهنده در زمینه اعلامیه‌های سیدصادق روحانی بوده و نیز وابسته به جبهه به اصطلاح ملی سابق و دارای انگیزه کمونیستی است، بدین جهت به سه سال اقامت اجباری محکوم شده است!]

۳- تبعید سیدمرتضی پسندیده، برادر و نماینده تام‌الاختیار خمینی به دستور ستاد بوده، گرچه در طول مراقبت موارد مشکوکی از او مشاهده نشد؛ معجزاً در ضربت زدن به دار و دسته خمینی مؤثر قرار گرفته و تبعید وی موجب شد که روحانیون افراطی و طرفدار خمینی خود را جمع و جور نمایند. ۴- سید مرتضی پسندیده، به هنگام امضای صورتجلسه کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی به رأی صادره اعتراض و ذیل آن را به این صورت امضا می‌نماید: «پیرومرد ۸۴ ساله، سید مرتضی پسندیده» و از طرفی وانمود می‌کند که اگر مردم، مقصر دولت است. رهبر!

...علیرغم فشارها و گزارشهای غلط، و درد و رنجی که پیرومرد ۸۵ ساله در آن روستای کویری متحمل می‌شد، تبعیدشدگان آرام ننشسته بودند و علاوه بر شکایت رسمی و انتخاب وکیل مدافع، برای ارجاع پرونده به یک



دادگاه صالح، نامه‌هایی هم با امضای رسمی، به آیات و مراجع عظام قم نوشته شد که در آنها خواسته شده بود «تکلیف شرعی ما در تحمل این امر و یا تخلف از آن به هر وسیله‌ای» روشن گردد که جوابهای واصله از مراجع، ضمن تقبیح اقدام دولت، اعلام ضرورت عدم تمکین بود و مرحوم آیت‌الله گلپایگانی، «قبول ادامه اقامت در تبعیدگاه را مطابق موازین شرعی» ندانسته بودند که با همین «حکم» ما بدون مجوز قانونی (!) و اطلاع ساواک اصفهان، یا ژاندارمری انارک، این منطقه را ترک نموده و به قم بازگشتیم.

گزارش ساواک

ساواک اصفهان که ناظر بر امور منطقه انارک و تبعیدی‌ها بود، طی یک نامه رسمی به «مرکز» اطلاع می‌دهد که چون به خواسته‌ها توجهی نشده، ما خود تصمیم گرفته‌ایم که به سوی قم حرکت کنیم. در یکی از گزارشهای رئیس ساواک اصفهان چنین آمده است:

«به مدیریت کل اداره سوم/۳۱۲

شماره: ۹۱۸۴/۱۵۱

نخست‌وزیری تاریخ: ۱۲/۵/۳۷

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

از سازمان اطلاعات و امنیت اصفهان درباره تبعیدشدگان به انارک نائین برابر اعلام ناحیه ژاندارمری اصفهان و به استناد ابلاغیه ژاندارمری کشور شاهنشاهی در تاریخ ۳۷/۴/۳۰ تلگرافی به امضای ناصر مکارم شیرازی، سید احمد خراسانی، عباس ضیغمی، سید هادی خسروشاهی، سید احمد کلانتر و چند نفر دیگر از روحانیون تبعیدی به انارک به‌عنوان آیات شریعتمداری و گلپایگانی مخابره و از آنان کسب تکلیف کرده‌اند که چون به خواسته‌های یادشدگان توجهی نشده، لذا قصد دارند به قم حرکت نمایند. دستورات مراقبتی لازم در این مورد به مراجع انتظامی ذیصلاح صادر شده است.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت اصفهان. تقوی»

و البته ما علاوه بر مراجعت غیر قانونی(!) به قم، پس از استقرار در آن، به فعالیت‌های همه‌جانبه خود، برای پیروزی انقلاب اسلامی ادامه دادیم و یک نمونه آن، اقدام این جانب در تصرف کلانتری شماره یک قم و خلع سلاح آن و سپس ترخیص موقت مأموران آن بود که در جراید آن روز تهران انعکاس یافت. از جمله در روزنامه اطلاعات چنین آمده بود:

«بعد از ظهر پریروز، مردم قم شهربانی و کلانتری مرکز و یک و سه و چهار این شهر را به تصرف خود درآوردند» (اطلاعات، مورخ سه‌شنبه، ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۸۴، ص ۳) و در تکمیل خبر، اطلاعات در شماره بعدی خود (مورخ ۲۵ بهمن، شماره ۱۵۷۸۵ ص ۳) تحت عنوان «آخرین پایگاههای ضد مردمی در شهرها فرو ریخت»، چنین می‌نویسد: «حجت‌الاسلام سید هادی خسروشاهی کلانتری یک قم را تحویل گرفت و کلیه سلاح‌های موجود را به ستاد انقلاب فرستاد و از آتش‌زدن پرونده‌ها و اثاثیه جلوگیری به عمل آورد. شهربانی و دیگر کلانتری‌های قم نیز به رهبری روحانیون و همکاری مردم به تصرف درآمد و گروهی از افراد شهربانی و ساواک نیز دستگیر و در ستاد انقلاب بازداشت شدند…»

ماجرای تصرف کلانتری قم

داستان تصرف و خلع سلاح کلانتری یک قم، که در چهارراه ارم قرار داشت که پس از اعلام بی‌طرفی ارتش، و دور شدن دو تانک مستقر در میدان ارم انجام گرفت، از این قرار بود که نخست من وارد کلانتری شدم و سپس چند نفر از جوانان قم که اغلب آنها را نمی‌شناختم، وارد محوطه کلانتری شدند و چون جمعیت زیادی می‌خواستند وارد کلانتری شوند و طبعاً در این صورت کنترل آن از دست ما خارج می‌شد، من به چند جوان حاضر در محوطه گفتم که در کلانتری را با زنجیر موجود، محکم ببندند و اجازه ورود به کسی را ندهند و در همین گفتگو ناگهان دیدم که دو سه نفر، وارد بخش بایگانی شده و پرونده‌های موجود را به داخل حیاط می‌آوردند که آتش بزنند و چند صندلی را هم شکستند که با توجه به مسلح شدن ما، با سلاح‌های مأموران کلانتری که خود سلاح‌ها را تحویل داده و از کلانتری بیرون رفتند، آن دو سه نفر را بیرون کردیم و اجازه ندادیم که پرونده‌ها را که مربوط به مردم بود، آتش بزنند و به تخریب کلانتری و صدمه‌زدن به ساختمان اقدام کنند.

پس از برداشتن دو سه کلت و مقداری فشنگ – به طور امانی – که در انبار کلانتری موجود بود، آنها را به یکی از افراد ستاد انقلاب قم تحویل دادم که همه را با خود برد که به ستاد تحویل دهد و بعدها معلوم شد که همه سلاح‌ها، به ستاد تحویل داده نشده است! و این تخلف در آغاز انقلاب، گویا در اغلب مراکز نظامی تصرف شده اتفاق افتاده بود.

به رئیس کلانتری که از تحویل سلاح خودداری می‌کرد، گفتم که: «جناب! کل کلانتری و سلاح‌ها اکنون در اختیار ماست و باقی ماندن یک کلت نزد شما چه ضرورتی دارد؟» گفت: «من برای خروج از این محل امنیت جانی ندارم، و باید سلاحی داشته باشم، بنده امنیت او را تضمین کردم و پس از اخذ سلاح، او را همراه خودم به منزل بردم و او خود به خانواده‌اش تلفن زد و آنها آمدند و رئیس کلانتری را از منزل من بردند. و البته تعجب می‌کردند که از آن معرکه و شلوغی، جان سالم به در برده است و او گفت: «اگر آقا‌سید نبود، من الان در اینجا نبودم!»

چند سالی گذشت و در خیابان باجک قم، ناگهان یک ماشین جیب شهربانی جلوی من متوقف شد و فردی با لباس رسمی از آن پیاده شد و سلام کرد و گفت: «حاج آقا مرا می‌شناسید؟» گفتم: «متأسفانه نه!» گفت: «من همان رئیس کلانتری یک هستم که اگر شما نبودید، جانم در خطر بود



آیت الله پسندیده در کنار استاد سید هادی خسروشاهی در واپسین سالیان حیات
و الان که شما را دیدم، خواستم عرض ادبی کرده باشم.» من ضمن تشکر از او پرسیدم: «شما کجا هستید و چه می‌کنید؟» گفت: «پس از انقلاب پرونده مرا مسئولان نیروهای انتظامی بررسی کردند و چون تخلف و جرمی مرتکب نشده بودم، مرا به خدمت باز گرداندند و اکنون رئیس کلانتری مرکزی قم هستم.» با خوشحالی و خداحافظی، از هم جدا شدیم.

ماجرای حکم تبعید

کمیسیون امنیت شهرها از مسئولان دوائر دولتی، از جمله استاندار یا فرماندار تشکیل می‌شد و در تصمیماتی مثل تبعید افراد، «حکم» را نخست باید او امضا می‌کرد. در تبعید علما و فضلاء قم، گویا فرماندار شهر (آقای حسین جامعی) مسئول و مباشر این امر بود؛ ولی بعد از انقلاب، بعضی‌ها شایع کردند که آقای محمود هاشمی حکم تبعید ما را امضا کرده است. و این البته برای تفتین بود؛ چون آقای هاشمی در فرمانداری قم سمت مهمی نداشت که بتواند همراه مسئولان دیگر شهر، حکم تبعید امضا کند!

پس از پیروزی انقلاب و اشتغال این جانب در وزارت امور خارجه، روزی که در دفتر خود – در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی – نشسته بودم، برادر عزیز و محترم جناب آقای محمود هاشمی که او نیز در وزارت خارجه اداره مرکزی، اشتغال داشت، همراه فردی به دفتر من آمدند و پس از تعارفات، فرد مزبور که معلوم شد همان فرماندار سابق قم و امضاکندهٔ حکم تبعید ما بود، درخواست رضایت و رفع شکایت نمود؛ چرا که دادگاه انقلاب قم، اعلام رضایت تبعیدی‌ها را شرط آزادی او قرار داده بود.

من به آقای جامعی گفتم: «ما کی از شما شکایت کردیم که حالا اعلام رضایت کنیم؟ ولی البته یک سؤال از شما دارم و آن اینکه آیا واقعاً شما در آن دوران، در امضای احکام تبعید، آزادانه عمل می‌کردید و یا مضطر و مجبور بودید؟» با تأثر گفت: «حاج آقا ما اصلاً اختیاری در هیچ زمینه‌ای نداشتیم. نماینده نخست‌وزیری که همان رئیس ساواک بود، دستور می‌داد که این حکم باید امضا شود و ما هم امضا می‌کردیم و اگر امضا نمی‌کردیم، شاید به انارک تبعید می‌شدیم یا حداقل حکم انقصال دائم از خدمت، دریافت می‌کردیم!»

من به شوخی گفتم: «این دومی که بهتر بود؟ می‌رفتید دنبال یک شغل آزاد و وجدان آرامی هم داشتید.» آقای جامعی پاسخی نداشت و سرش را پایین انداخت و من هم سؤال را دنبال نکردم تا آن بنده خدا بیشتر شرمنده نشود. البته حسن این جلسه یکی هم این بود که امضا کننده اصلی حکم تبعید مشخص شد و اتهام بی‌اساس درباره دیگران، منتفی گردید.

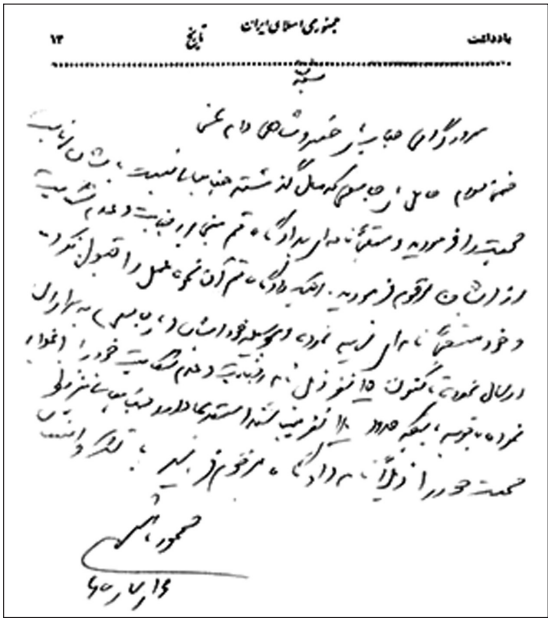
بنده در همان جلسه نامه‌ای خطاب به مسئولان محترم پرونده در قم نوشتم و توسط خود آقای جامعی به دادگاه فرستادم؛ ولی مدتی بعد معلوم شد که باید نامه ما در پاسخ نامه رسمی دادگاه باشد و به‌همین دلیل آقای محمود هاشمی طی نامه‌ای خطاب به این جانب آن را درخواست نمودند.

متن نامه ایشان چنین بود:

«بسمه تعالی

سرور گرمای جناب آقای خسروشاهی دام عزه

ضمن سلام، حامل آقای جامعی که سال گذشته جناب عالی نسبت به



ایشان نهایت محبت را فرمودید و مستقیماً نامه‌ای به دادگاه قم مبنی بر رضایت و عدم شکایت از ایشان مرقوم فرمودید. اینک دادگاه قم آن نحوه عمل را قبول نکرده و خود مستقیماً نامه‌ای تهیه نموده و به وسیله خود ایشان (آقای جامعی) به برادران ارسال نموده و تاکنون ۱۵ نفر ذیل نامه، رضایت و عدم شکایت خود را اعلام نموده با توجه به اینکه حدود ۱۸ نفر می‌باشند، استدعا دارد جناب عالی نیز نظر خود را ذیل نامه دادگاه مرقوم فرمائید. با تشکر و امتنان ۶۵/۷/۱۶ محمود هاشمی»

نامه جناب هاشمی، با نامه رسمی دادسرای انقلاب اسلامی قم همراه بود که در آن آمده بود:

«بسمه تعالی/ دادسرای انقلاب اسلامی قم، تاریخ ۶۵/۳/۲۵

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هادی خسروشاهی دام عزه‌العالی

سلام علیکم، طبق اسناد و مدارک موجود، متهم آقای حسین جامعی بعنوان فرماندار اسبق و نیز رئیس کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم نقش فعال در سرکوب مردم حق‌طلب این شهر و همکاری مؤثر با عوامل حکومت نظامی و همچنین تبعید بسیاری از علمای مبارز ایفا کرده، از جمله در تبعید جناب عالی به اتهام به اصطلاح ایجاد آشوب و بلوا نقش تعیین کننده داشته است. نظر به اینکه پرونده اتهامی مشارالیه در این مرجع مطرح رسیدگی نهایی می‌باشد، خواهشمند است نظرعالی مبنی بر ابقا یا انصراف از شکایت را کتبا اعلام فرمائید.



دادیار دادسرای انقلاب اسلامی قم، مهدوی»

و بنده نیز در پاسخ نامه فوق، نامه زیر را توسط آقای جامعی که خود حامل نامه دادسرای انقلاب بود، به آن دادگاه فرستادم:

«دادسرای محترم انقلاب اسلامی – قم

با اهدای سلام و درود و آرزوی موفقیت برای شما برادران ارجمند، عطف به نامه مورخ ۶۵/۳/۲۵، محترماً اشعار می‌دارد: با توجه به تعالیم اسلامی در عفو و اغماض و رهنمودهای حضرت امام که ملاک وضع فعلی افراد است و با توجه به اینکه فرمانداران دوره طاغوت در عمل قدرت و اختیاری از خود نداشتند و حاکم اصلی ساواک بوده، این جانب هیچ گونه شکایتی از جناب آقای حسین جامعی فرماندار وقت قم، ندارم و امیدوارم که عفو وگذشت اسلامی، موجب شود که ایشان هم بتوانند به کار و زندگی خصوصی خود برسند.

با تشکر و احترام، سیدهای خسروشاهی»

پس از ارسال نامه و اطلاع مرحوم آیت‌الله پسندیده از محتوای آن، توسط آقای جامعی، در دیداری با معظم‌له در محل اقامتشان در «جمشیدیه» که فرزند ارجمندشان آقای مهندس پسندیده هم حضور داشت، آیت‌الله پسندیده خیلی از من تشکر کرد و گفت: من هم با همین مضمون، نامه‌ای به دادگاه فرستادم و ای کاش این روش را همه دوستان دنبال کنند! البته ای کاش!

چنین بود بخشی از حوادث دوران پیش از پیروزی انقلاب و پس از آن که نشان دهنده نوع عملکرد افراد و آثار مثبت اقدامات تواند بود: «والذین عملوا السیئات ثم تابوا من بعدها و آمنوا ان ربک من بعدها لغفور رحیم».

۱. در بولتن ویژه‌ای آمده که ساواک پس از مشورت مستقیم و غیر مستقیم با آقایان شریعتمداری، گلپایگانی و نجفی مرعشی به این نتیجه رسید که آقای سیدصادق روحانی تبعید نشود؛ اما آقایان: ضیغمی، پسندیده، کلانتر و متعاقباً سیدهادی خسروشاهی روز ۲۴ اردیبهشت به انارک تبعید شدند.

منبع : روزنامه اطلاعات – یکشنبه ۱۹ بهمن ۹۳

۵۳سال قبل در چنین روزهایی، یکی از شاخص ترین پیشگامان استقلال طلبی و استعمار ستیزی در ایران معاصر، روی ازجهان برگرفت و چهره به نقاب خاک سپرد. عالم مجاهد آیت الله سید ابوالقاسم حسینی کاشانی از عنوان جوانی تا واپسین دم حیات، در عراق و ایران به مواجهه با استعمار انگلستان پرداخت و در این راه صدمات و شداید فراوانی را متحمل گشت. سایت مشرق در سالروز این واقعه تاریخی و در بازشناسی منش آن جهادگر بزرگ، با یکی از ملازمان و اصحابش، یعنی حضرت آیت الله سید رضی شیرازی به گفت و گو نشسته که نتیجه آن را پیش روی دارید.

• باب آشنائی میان شما و مرحوم آیت الله کاشانی چگونه گشوده شد؟ آغاز این آشنائی به کدامین مقطع زمانی باز می گردد؟

آشنائی ما از رابطه خانوادگی و تعاملات علمی ایشان و پدرشان با پدر من شروع شد. پدر ایشان در نجف و کاظمین با مرحوم آقای امیرزا علی شیرازی، آقای امیرزا محمد حسین شیرازی و جد مادری من، آقای آشیخ کاظم شیرازی مانوس بود. پدر ایشان، مرحوم آقای حاج سید مصطفی کاشانی به احتمال قریب به یقین، از شاگردان میرزای شیرازی بود. بنده هم که نوه ایشان هستم، بنابراین آشنائی خانواده های ما سابقه طولانی دارد.

• با توجه به اینکه دغدغه های آیت الله کاشانی در دو دهه آخر عمرشان، بیشتر سیاسی بود و فرصت چندانی برای حضور در محافل علمی نداشتند، از نظر جنابعالی که با ایشان مأنوس بودید و قطعا مباحثات علمی هم داشتید، قدرت علمی و توانمندی فقهی ایشان در چه سطحی بود؟

ایشان در جوانی و در نجف به درجه اجتهاد رسیده و توانائی علمی و ذوق فقهی بسیار بالائی داشت و اگر در حوزه می ماند، بی تردید یکی از مراجع بزرگ می شد. از القاب فاخری که مراجع در احکام اجازات ایشان به کار برده اند، مرتبت ایشان معلوم است. در آن دوران ورود یک روحانی به عرصه سیاست امر مستحسنی محسوب نمی شد، لذا همین اشتغال جدی ایشان به سیاست، نشان دهنده اوج خلوص نیت و بصیرت ایشان است که به رغم فراهم بودن زمینه ها، از مرجعیت چشم پوشید و در واقع تن به بلا داد و تلاش کرد کبان کشورهای اسلامی، به ویژه ایران و عراق را در مقابل استعمار انگلیس حفظ کند. به هر روی ایشان اگر مسیر مرجعیت را در پیش می گرفت، از بسیاری از افرادی که بعدها به عنوان مراجع بزرگ مطرح شدند، بالاتر بود. با این حال تا اواخر

آیت الله سید رضی شیرازی:

آیت الله کاشانی به هر مصداق شری می گفت «انگلیسی»

عمر هم، ذوق فقهی و علائق علمی خود را از دست نداد، استنباطات فقهی بسیار جالبی داشت و به رغم اینکه وقتش بیشتر صرف امور سیاسی، ملاقات ها و رتق وفتق امور مردم می شد، اما در هر فرصت مناسبی در باره یک فرع فقهی بحث می کرد. مبانی علمی محکمی داشت که همچنان محفوظ مانده بودند. البته ایشان قبل از اوج گیری مبارزات سیاسی در تهران تدریس می کرد.

• نگاه آیت الله کاشانی نسبت به انفعال روحانیون در قبال مسائل سیاسی چگونه بود؟ ایشان برای رفع این معضل چه تدابیری می اندیشید؟

ایشان خیلی تلاش کرد آنها را از سکون و سکوت در آورد و حساسیت آنها را نسبت به مسائل سیاسی برانگیزد. خود من با تحریک ایشان در بعضی از اجتماعات منزل ایشان و راه پیمائی ها شرکت می کردم. ایشان در این زمینه توفیقاتی داشت، ولی از جنبه فقهی و روحانی خیلی جا نیفتاد. خود ایشان هم می دانست تا ریاست روحانیت به دستش نیفتد نمی تواند از پس استعمارگران برآید و تلاش هم کرد. البته این تلاش مربوط به اوایل بود و سرانجام پذیرفت که فرصت کافی برای پرداختن به لوازم منصب ریاست روحانیت را ندارد. تداوم تسلط بر فقه و اصول که لازمه مرجعیت هستند، وقت می خواهد که ایشان نداشت. هر چند که ایشان در جذب عدهای از روحانیون توفیقاتی داشت، اما خیلی موفق نشد. در هر حال بسیاری از آقایان علما و روحانیون تهران با مرحوم کاشانی رفیق نبودند. آقای کاشانی اساسا ضد انگلیس بود و دربار را موجب تداوم حضور و نفوذ انگلیس می دانست. ایشان به هر مصداق شر و بدی ای می گفت «انگلیسی» و معنی لغوی آن مدنظرش نبود، بلکه معنی اصطلاحی آن را در نظر داشت.

• البته انگلیسی ها هم در آزار و تبعید و زندان برای ایشان کم نگذاشتند. این رویکرد مبارزاتی، چه پیامدهایی در جامعه و نیز در میان روحانیون برای ایشان ایجاد کرد؟

بله، همین طور است. گرفتاریهای زیادی برای ایشان درست کردند. آن موقع دور، دور انگلیسی ها بود و آمریکا هنوز خیلی در عرصه سیاست بین الملل شروع به شاخ و شانه کشیدن نکرده بود. شاه هم که تکلیفش معلوم بود و آقای کاشانی به خاطر ضد استعماری بودن، با شاه هم که زمینه ساز تداوم استعمار انگلیس بود، مخالفت می کرد، در حالی که گروهی معتقد بودند با شاه در افتادن یعنی آب به آسیاب کمونیست ها ریختن! در هر حال این رویکرد مبارزاتی، پیامدهای خاص خودش را هم داشت.

• از ارتباط آیت الله کاشانی با عدهای از چهره های روحانی هم نظر با ایشان، از جمله حضرت امام چه خاطراتی دارید؟

آقای کاشانی ایشان را خیلی دوست داشت و روی سواد و شجاعت ایشان تکیه می کرد. از طرف دیگر، نظرات امام در کتاب کشف الاسرار در مورد استعمار، استدلال و رجال تاریخ معاصر ایران کاملا مشخص است و کاملا طبیعی است که ایشان با این طرز فکر با آقای کاشانی احساس نزدیکی کنند. من بارها از آقای کاشانی شنیدم که می گفت: بعد از خودم، برای نجات کشور، امیدم به آقای خمینی است.

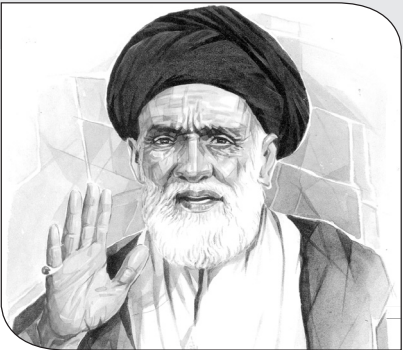
• شما چگونه با فدائیان اسلام و شهید نواب صفوی چگونه آشنا شدید؟ ظاهرا در دوره ای که با آیت الله کاشانی در ارتباط بودید، با آنها هم مراوداتی داشتید؟

من با مرحوم نواب در نجف آشنا شدم و با هم گردش می رفتیم. همان جا هم که بود، علیه شاه حرف های تند می زد تا وقتی آمد ایران و کسروی را زخمی کرد و شهرتی به هم زد. چهره زیبا و مهربانی داشت. به ایران که آمدم، دوستی ما ادامه کرد. نواب سراپا شور و حرارت بود. حاضر بود برای اعتلای اسلام جانش را فدا کند که کرد. در آن زمان تبلیغات ضد دینی خیلی گسترده بود و عدهای از جوان های متدین جذب او شده بودند.

• رابطه اش با آیت الله کاشانی چگونه بود؟ چون هر دو با شاه بد بودند، آقای کاشانی تأییدشان می کرد و منزل ایشان مامن فدائیان اسلام بود. البته من چون در جریان مناسباتشان نبودم، اطلاع درستی ندارم، ولی آن مقداری که خودم به منزل آیت الله کاشانی رفت و آمد داشتیم، فدائیان اسلام را آنجا می دیدم که مورد علاقه آقای کاشانی بودند.

• نقش و تأثیر آیت الله کاشانی در انقلاب اسلامی را چگونه تحلیل می کنید؟

انقلاب اسلامی ریشه های فراوان دارد، اما هر چند عدهای این حقیقت را انکار کرده اند، بار اصلی تأمین استقلال کشور و دفع استعمار، دست کم در تاریخ معاصر، به دوش روحانیت بوده است. نمونه آغازین آن، جنبش تنباکو و صراحت اعجاب انگیز میرزای شیرازی در صدور آن فتوای تاریخی است که پایه های حکومت ناصرالدین شاه را لرزاند و باعث شد انگلیسی ها بساطشان را جمع کنند. بعد از آن می رسمیم به انقلاب مشروطه و نقش مرحومان آخوند خراسانی، میرزای نائینی، آشیخ عبدالله مازندرانی و در تهران هم مرحوم طباطبائی، بهبهانی، آقا شیخ فضل الله در ایجاد زمینه برای انقلاب و تحریک مردم به مبارزه با دستگاه کاملا روشن است. بعد نهضت نفت که واقعا آقای کاشانی با تلاش و زحمت و در شرایطی که روحانیت مقداری از مشروطه سرخورده شده بود، با پشتکار عجیبی وارد میدان شد. البته من معتقدم که مرحوم آیت الله بروجردی هم به رغم تفاوت سلیقه با



آیت الله کاشانی، در ایجاد زمینه برای انقلاب اسلامی نقش داشت. اگر ایشان حوزه را که در دوره رضاخان بسیار ضعیف شده بود، مجدداً تقویت نمی کرد و رونق نمی داد، علما و فضائلی که بعدها بخشی از بار انقلاب اسلامی را به دوش کشیدند، تربیت نمی شدند. در انقلاب هم که نقش مرحوم امام و روحانیت و مساجد بسیار روشن است.

• آیت الله کاشانی روی خود شما چقدر تأثیر داشت؟ تاجه در دوران مراوده با ایشان، به افکارشان گرایش پیدا کردید؟

من در اغلب اجتماعات سیاسی ای با اعلامیه ایشان برگزار می شدند، شرکت می کردم و در درگیری ها هم بودم. در انقلاب اسلامی هم فعال بودم. اجداد ما همه سیاسی بودند، لذا ما ذاتاً نمی توانستیم به سیاست بی اعتنا باشیم. به همین دلیل هم بود که در اوایل انقلاب، گروه فرقان مرا ترور کرد.

• آیت الله کاشانی به خاطر مخالفت با بعضی از رفتارهای دولت مصدق از سوی طرفداران او و عوامل خارجی ترور شخصیت شد. از آن دوران چه خاطره ای دارید؟

ایشان در آن دوران واقعا تنها بود. بارها شد که به منزلش رفتم و دیدم که تک و تنها نشسته است! او مرد کارهای بزرگ، مومن، متکی به خدا و فولاد آبدیده بود. در عراق در جنگ با انگلیسی ها تا اعدام هم پیش رفته بود و از مرگ هراسی نداشت. روحیه اش عالی بود. برای خودش چیزی نمی خواست و این برخوردها برایش مهم نبودند. من بسیار ایشان را دوست داشتم و ایشان هم خیلی به من محبت داشت. به رغم اینکه وقتش عمدتاً صرف مسائل سیاسی می شد، همین که مرا می دید، می گفت: «فرعی را عنوان کن!» گاهی اصرار می کرد به جای او به مسجد پامنار بروم و نماز بخوانم که من قبول نمی کردم. بسیار متواضع و خودمانی بود. اصلا خودش را نمی گرفت، به همین دلیل افراد از طیف های مختلف اجتماع جذب اخلاقی شده بودند. با همه تواضع و مهربانی، اگر خیانت و تخلف غیر قابل اغماضی را در حق مردم می دید، ابداً کوتاه نمی آمد. به مشکلات مردم بسیار حساس بود و سعی می کرد هر جور شده مشکل گشائی کند. من آدمی نظیر ایشان کم دیده ام. رفاقت با ایشان از خاطرات خوب زندگی من است که تا آخر عمر ایشان هم ادامه پیدا کرد.

تجلیل از عالمی که برای تبلیغ دین به چین و هند هم سفر کرد

«آیت الله بروجردی» مجتهد مسلم و حاکم شرع بود و «حجت الاسلام فیضی» و «مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ علی محمد خرم آبادی» و «مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ محمد غروی» استفاده کردند.

نزدیک به ۱۸ سال از محضر مرحوم «آیت الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی» استفاده کردند و چند سالی هم در فصل تابستان از محضر «آیت اله حاج سید علی بهبهانی رامهرمزی» که ایام تابستان برای استراحت به بروجرد می آمدند، بهره مند شدند.

وی سپس در قم به ادامه تحصیل پرداخت و در آنجا از محضر حضرات آیات «سید محمدرضا گلپایگانی»، «سید شهاب الدین مرعشی نجفی» استفاده کرد.

استاد مولانا در سال ۱۳۸۴ عنوان برترین مبلغ استان لرستان را از حوزه علمیه قم دریافت کردند. غلامرضا مولانا برای تبلیغ دین به کشورهای مصر، کویت، لبنان و چین نیز سفر کرده است و در سفر به هند به تحقیق و جمع آوری کتاب «عبقات الانوار» پرداخت و توانست ده جلد از این کتاب را در ایران به چاپ برساند. وی در زمینه های بروجرد شناسی نیز تالیفات بسیار ارزنده ای دارد که منبع تحقیق برای پژوهشگران شده است.

داشت: در فرهنگ ایرانی روحانیت یعنی علمای صاحب علم و تقوا که برای جامعه الگوی اندیشه و عمل هستند. وی افزود: رسالت علمای حوزه های علمیه پاسداری و مرزبانی از دین اسلام، دفاع از مکتب اهل بیت، پاسخگویی به شبهات دین و... است.

حجت الاسلام ترابی با بیان اینکه حضرت مولانا بروجردی شخصی توانمند و متواضع است، افزود: از این خطیب برجسته بیش از ۵۰ کتاب به چاپ رسیده است. وی تصریح کرد: این شخصیت والا مقام حافظ اشعار و روایات و احادیث فراوانی بوده و دارای حافظه ای قوی است به طوریکه توانسته ۲۵ سال دین اسلام را در دیگر کشورها تبلیغ کند.

گفتنی است آیت الله مولانا بروجردی، دروس مقدماتی را در زادگاهش نزد علمای مطرح آن روز آموخت سپس در دروس سطح شرکت کرد و از خرم دانش حضرات «شیخ بهاءالدین حجتی»، «حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا سید محسن شریعتمداری بروجردی» و «میرزا لطف الله فقیهی» خوشه چید.

«آیت الله مولانا» همچنین از محضر آقایان «حجت الاسلام حاج سید اسماعیل گلپایگانی» که در زمان

حجت الاسلام احمدی با بیان خاطراتی از دوران تحصیل خود با حضرت مولانا بروجردی تصریح کرد: حضرت مولانا بروجردی انواع جبر را بلد بوده و ۱۵ هزار جلد کتاب شخصی خود را به مدرسه نوربخش قدیم هدیه کرده است. وی افزود: باید تواضع و فروتنی را از این شخصیت بزرگوار یاد بگیریم و همواره صبر و علم آموزی ایشان را پیشه راه زندگی خود قرار دهیم.

حجت الاسلام دکتر احمدی در ادامه با اشاره به اهمیت حوزه های علمیه در پروراندن انسان هایی شریف و عالمانی بزرگ، اظهار داشت: حوزه های علمیه محور دین اسلام هستند و امروز هر چه داریم از این حوزه ها است.

عضو شورای انقلاب فرهنگی گفت: حوزه ها مکانی برای متعلمین و معلمان بوده و هست تا بتوانند به پرورش افرادی نخبه و عالم دست پیدا کنند و مسیر رسیدن به کمال و زندگی درست را به دیگران نشان دهند.

حجت الاسلام احمدی در پایان یادآور شد: آثار آیت الله مولانا حاصل یک عمر تلاش ایشان است که امروز در اختیار مردم قرار گرفته است و نباید به ای بی توجهی شود. حجت الاسلام حسن ترابی امام جمعه بروجرد نیز در این آیین با اشاره به اهمیت وجودی علما و روحانیون اظهار

آیین تکریم مقام علمی و اخلاقی آیت الله غلامرضا مولانا بروجردی به پاس یک عمر مجاهدت این خطیب و مبلغ برجسته با حضور مسئولان در دیار فرزندگان برگزار شد. در این مراسم، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم آباد، نمایندگان بروجرد در مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای فرهنگ عمومی و جمع زیادی از مردم بروجرد در مسجد ولی عصر(عج) بروجرد حضور داشتند.

حجت الاسلام دکتر احمدی عضو شورای انقلاب فرهنگی در آیین تکریم حضرت مولانا بروجردی اظهار داشت: به برکت وجود عالمان دین اسلام نشر پیدا کرده و تا کنون برجای مانده است.

وی افزود: در زمان طاغوت عالمان زخم زبان های زیادی را تحمل کردند و اگر صبر این علما و روحانیت نبود مشخص نبود که چه اتفاقاتی در ایران می افتاد.

عضو شورای انقلاب فرهنگی ادامه داد: بروجرد مهد عالمانی چون حضرت آیت الله بروجردی، بحر العلوم، شیخ علی محمد نجفی بروجردی و... بوده است و جایگاه مهمی دارد و این شخصیت های عالیقدر هستند که جایگاه فرهنگی و علمی شهر را بلند کرده اند.

افزود: توجه به خدمات عمومی از جمله حوزه بهداشت و سلامت، اقدام ارزنده ای است و ضروری است دولت با تقویت تولید، زمینه اشتغال جوانان را توسعه دهد.

وی همچنین در زمینه های فرهنگی بویژه در خصوص توسعه آموزش عالی، رعایت ملاحظات جمعیتی و سیاست های کلان کشور، توصیه هایی ارائه کرد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: حفظ اصول اساسی نظام در حوزه سیاست خارجی ضروری است

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با اشاره به اینکه دولت علاوه بر مشکلات موجود، وارث مشکلات زیادی از گذشته است، گفت: حفظ اصول اساسی نظام در حوزه سیاست خارجی ضروری است.

این مرجع تقلید در دیدار با رئیس جمهور اظهار داشت: شما فرزند حوزه و روحانیت هستید. رأی مردم به شما اعتماد مجدد به روحانیت بود و لذا موفقیت شما موجب سربلندی حوزه و روحانیت است.

او با اشاره به اینکه دولت علاوه بر مشکلات موجود، وارث مشکلات زیادی از گذشته است، حفظ اصول اساسی نظام در حوزه سیاست خارجی را ضروری دانسته و ابراز امیدواری کرد که موضوع هسته‌ای نیز به حل و فصل نهایی رسیده و تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران رفع شود.

آیت‌الله مکارم شیرازی رسیدگی توأم به اقتصاد و مسایل مهم اجتماعی را یادآور شد و ضمن توصیه به بهره گیری از نقدهای سازنده افزود: اقتصاد باید به سمتی مدیریت شود که آثار رونق در تولید و اشتغال، زمینه فعال تر شدن جوانان و تسهیل امر ازدواج را فراهم نماید.

او در بخشی از سخنان خود به مشکلات استان و شهر قم از جمله در بخش بهداشت و درمان و سهولت تردد زوار اشاره و برای موفقیت رئیس جمهوری و دولت، آرزوی توفیق کرد.

این مرجع تقلید همچنین موفقیت‌های دولت در حوزه مدیریت اقتصاد و خدمات اجتماعی به ویژه درمان و بهداشت را خوب و ملموس ارزیابی نموده و بر تلاش بیشتر دولت برای رسیدگی به محرومان و اقشار ضعیف جامعه تاکید کردند.

گزارشی از دیدارهای رئیس جمهوری با مراجع عظام تقلید



وی مشکلات، سختی‌ها و سنگینی مسئولیت رئیس‌جمهور را قابل توجه و توکل به خداوند و اخلاص در عمل را موجب سربلندی دولت دانست.

حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی با اشاره به اینکه «همه ابزارهای فرهنگی در اختیار دولت نیست»، گفتند: در عین حال دولت بایستی از همه امکانات فرهنگی خود برای تبیین و ترویج مبانی دینی استفاده کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی نیز گزارشی از برنامه‌های دولت در بخش‌های مختلف ارائه نمود.

تاکید حضرت آیت الله موسوی اردبیلی بر رسیدگی دولت به اقشار نیازمند

حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی دولت را برآمده از اراده ملت دانست و ضمن تاکید بر رسیدگی به اقشار محروم جامعه گفت: حمایت از اقدامات دولت به ویژه در حوزه اقتصاد و معیشت عمومی وظیفه‌ای همگانی است. این مرجع تقلید در دیدار رئیس‌جمهور با وی، خدمات دولت در بخش سلامت، درمان و بهداشت عمومی را اقدامی بسیار بزرگ و ارزنده دانست.

او افزود: دولت برآمده از اراده ملت است و حمایت از اقدامات دولت به ویژه در حوزه اقتصاد و معیشت عمومی وظیفه‌ای همگانی است.

آیت الله موسوی اردبیلی ضمن دعای خیر برای موفقیت رئیس‌جمهوری و مجموعه دولت، رسیدگی هر چه بیشتر به اقشار نیازمند جامعه را مورد تاکید قرارداد.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: برنامه های اقتصادی دولت برای رفع مشکلات مردم ادامه یابد

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار رئیس‌جمهوری با ایشان تاکید کردند: حسن نیت شما برای مردم معلوم است و به همین دلیل پشتیبان دولت هستید.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در جریان سفر دو روزه خود به استان قم با تنی چند از مراجع عظام تقلید دیدار و گفت و گو کردوی ضمن دیدارهایی که با حضور برخی از اعضای دولت و اعضای بیوت مراجع برگزار می شدبا مراجع عظام تقلید در دیدارهایی بدون حضور خبرنگاران،دیگر مسولان و اعضای دفتر مراجع تقلید به شکل خصوصی درباره مهمترین مسایل کشوربه گفت گو پرداخت.

خلاصه ای از دیدار رئیس‌جمهوری اسلامی ایران با مراجع عظام تقلید درپی می آید:

حضرت آیت الله وحید خراسانی خطاب به رئیس‌جمهور: با مشکلات طاقت فرسای روبرو می باشید

حضرت آیت الله وحید خراسانی در دیدار حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری، ضمن تشکر از زحمات رئیس‌جمهوری و دولت،تصریح کرد: شما یکی از بهترین روسای جمهوری هستید و البته با مشکلات طاقت فرسای روبرو می باشید.

این مرجع تقلید شیعیان در این دیدار که در جریان سفر استانی دولت تدبیر و امید به قم، برگزار شد، ضمن اشاره به اعجاز قرآن و قرائت آیه کریمه: وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ افزود: با اتکالی به دو کلمه و استمداد از این دو بر همه مشکلات فائق می شوید: یکی توکل بر خداوند، و دیگری توجه و توسل به کسی که عالم وجود به خاطر او برپاست و او حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی:همه ابزارهای فرهنگی در اختیار دولت نیست

حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی در دیدار با رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، دعا برای موفقیت دولت را یک وظیفه اعتقادی و عمومی دانست و افزود: بهبود وضعیت اقتصادی کشور برای کارشناسان به خوبی محسوس است. این مرجع تقلید شیعیان در این دیدار که در ادامه سفر استانی دولت تدبیر و امید برگزار شد، تاکید کرد: ملت ایران بار سنگینی بر دوش شما گذاشته است. اگر چه مشکلات قابل انکار نیست، ولی تلاش می‌کنید با تمام توان و گام به گام بر مشکلات فائق بیایید.

دکتر صادق آیینه‌وند: امام موسی صدر از پتانسیل ادیان برای نجات انسانیت بهره می گرفت

جمله دیگری از رسول خدا در سخنرانی‌اش می‌آورد و از مشترکات و وحدت ادیان می‌گوید.

در واقع امام موسی صدر، پیش‌تاز وحدت ادیان بود و به نتیجه رسید که می‌توان ادیان را به هم پیوند داد و از پتانسیل آن برای نجات انسانیت استفاده کرد. خود قرآن نیز بر این موضوع تاکید می‌کند که خدای واحد، قیامت و رستاخیز واحد و کتاب آسمانی که همه را به توحید و عقل می‌خواند از مشترکات است و چیزهای دیگر نباید زمینه اختلاف درون دینی یا برون‌دینی را ایجادکنند.

چرا افراد دیگری مانند ایشان عمل نمی‌کنند یا این مهارت را ندارند؟

اولا ایشان مجتهدی آگاه و پر مطالعه بود. سال‌ها جوامع مختلف را دیده و سفر کرده بود و با اقوام و ادیان و مکاتب مختلف ارتباط داشت. این شخصیت عقلانی می‌اندیشید و به نکات وحدت‌آمیز بیشتر توجه داشت تا حاشیه‌های اختلاف انگیز. این نشان می‌داد که از زمان خودش جلوتر بود و درک درستی از مسائل داشت.

همین سخنرانی در کلیسا را اگر بررسی کنیم می‌بینیم ایشان به نکاتی توجه داشت که جامعه بعد از سال‌ها به آن رسیده است. بنابراین این ویژگی‌ها چنین شخصیتی از ایشان ساخته بود که می‌توانست وحدت ایجاد کند. ایشان عملا کار می‌کرد و نشان می‌داد که اهل گفت‌وگو و عقلانیت است. امام صدر تکیه‌گاه انسانی و توجه انسانی داشت و می‌گفت: «اعتدال حاصل درک وضعیت دیگران است و باید انسان درد دیگران را درد

دکتر صادق آیینه‌وند، استاد تاریخ اسلام و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفت و گو با موسسه امام موسی صدر از ضرورت «گفت‌وگو» در شرایط امروز و سیره عملی امام موسی صدر سخن گفته است که متن آن را در ادامه می‌خوانید.

نام امام موسی صدر با وحدت ادیان و تعامل با انسان‌ها گره خورده است، چه اندیشه‌ای در ایشان وجود داشت که به این شکل نمود پیدا کرده است؟

امام موسی صدر به چیزی در دهه ۴۰ و ۵۰ رسیده بود که جامعه اسلامی امروز به آن رسیده است. ایشان معتقد بود ما دین را در دو بستر یا ساحت باید نگاه کنیم، یکی ساحت انسانی و دیگری ساحت درون دینی. معتقد بود نگاه همه ادیان انسانی است، مبدا و معادشان یکی است و در یک مسیر حرکت می‌کنند. بنابراین یک مسلمان با یک یهودی و مسیحی می‌تواند با هم بیاندیشند و حرف بزنند و این اشاره به همان آیه شریفه دارد که‌ای اهل کتاب بیایید درباره نقطه‌ای که همه در آن مشترک هستیم صحبت کنیم، اینکه به جز خدای تعالی معبودی را نمی‌پرستیم.

ایشان این شعار را داشت و عملیاتی هم می‌کرد، به کلیسا می‌رفت و با مسیحیان لبنان رابطه بسیار خوبی داشت و مسیحیان اعتقاد ویژه‌ای به ایشان داشتند. در همین راستا در بهمن ۱۳۵۳، در سخنرانی که در کلیسا دارد از تروریسم دینی بحث می‌کند و می‌گوید که به اسم دین نباید تروریسم را حاکم کرد. معتقد است که دین نگاه انسانی دارد و یک جمله از حضرت مسیح و

این مرجع تقلید شیعیان در این دیدار که در جریان سفر استانی دولت تدبیر و امید به قم و در بیت ایشان برگزار شد، ضمن تشکر از تلاش‌های مجموعه دولت و موفقیت‌هایی که با وجود مشکلات فراوان به نتیجه رسیده است، افزود: توجه دولت به مردم و رفع مشکلات اقتصادی آنها که از گذشته بوده است به ویژه فقرا و ضعفا باید ادامه یابد و برنامه‌های مفید دولت در این جهت باید شتاب بیشتری بگیرد. اقدام دولت در زمینه سلامت و درمان مردم بسیار ارزشمند و شایسته تقدیر است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی کاهش هرچه بیشتر اختلافات جناحی را به نفع مردم و مصلحت کشور دانسته و گفت: توجه به سیاست خارجی حائز اهمیت است و نباید فقط یک یا چند کشور موضوع سیاست خارجی ما باشد. بلکه باید به رابطه سازنده با دیگر کشورها توجه شود.

وی اصلاح روابط، حل برخی مسایل و توسعه رابطه با کشورهای اسلامی را مورد تاکید قرار داده و در خصوص تهدیدات گروه‌های تروریستی افزود: زمینه‌های شکل گیری گروه‌های متحجر و تروریستی مثل داعش را نباید در مبارزه با آنان نادیده گرفت.

این مرجع تقلید شیعیان همچنین با اعلام اینکه «همواره شما را دعا می‌کنم»، فضای شاداب در محیط‌های دانشگاهی را برای پیشرفت کشور ضروری دانست و دولت را به بهره‌گیری هر چه بیشتر از آنها توصیه نمودند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی نیز در این دیدار گزارش کوتاهی را از مهمترین برنامه‌ها و اقدامات دولت ارائه داد و گفت: رهنمودهای مرجعیت مهمترین راهنما و یاریگر دولت در تدوین و اجرای برنامه‌ها در جهت آرمانهای انقلاب و رضایت مردم است.

تاکید حضرت آیت‌الله سبحانی بر توسعه خدمات عمومی و توجه به مسایل و امور اجتماعی

حضرت آیت الله سبحانی در دیدار با رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، بر توسعه خدمات عمومی و توجه به مسایل و امور اجتماعی تاکید کرد.

این مرجع تقلید شیعیان در این دیدار که در جریان سفر استانی دولت تدبیر و امید به استان قم، برگزار شد، با اعلام اینکه «همواره برای موفقیت دولت دعا می‌کنم»، خود بداند... و این اعتدال ضامن رشد هماهنگ فرد و جامعه است.»

او ۴۰ سال پیش از اعتدال صحبت می‌کند و باز می‌گوید: «به انسان باید توجه کنیم، از این رو تلاش ما در لبنان، در عبادتگاه‌ها، دانشگاه و دیگر مراکز صرف صیانت از انسان باشد. همه انسان‌ها با توانمندی‌های مختلف در همه مناطق لبنان باید مورد توجه قرار بگیرند.»

این نگاه بلند و پیش از زمان باید الگوی همه ما باشد. ایشان شخصیتی عملی بود که به گفته‌هایش عمل می‌کرد، به کرامت انسان توجه داشت و حرکتی را ایجاد کرد که هنوز همه مسلمانان حتی ادیان دیگر از او به نیکی یاد می‌کنند.

چگونه می‌توان از روش ایشان بهره گرفت تا افراد یک جامعه را به گفت‌وگو ترغیب کرد؟

برای این کار باید وسعت ذهنی و درک بالایی داشت در نتیجه باید نگاه انسانی و نگاه عقلانی را تقویت کنیم و آزادی و آزاد اندیشی را رواج دهیم. ببینیم که همه افراد بشر سوای از رنگ و دین و... قبل از هر چیز انسان هستند و حق حیات دارند و به قول امیرالمومنین علی (ع) یا ممنوع هستند یا برادر دینی. یا به قول امام حسین باید آزاد مرد بود یا به دین باور داشت، این‌ها نشان می‌دهد که نقاط مشترک را مورد توجه قرار دهیم و مطابق آن گفت‌وگو و تعامل کنیم.

امام موسی صدر همچنین به آزادی و داشتن فضای مناسب خیلی توجه می‌کرد و معتقد بود بهانه‌هایی که فرد را از انسانیت دور می‌کند باید از بین برود. بنابراین

بهره می گرفت

باید تصب نداشته و به جای آن باور درست داشته باشیم، تنش ایجاد نکنیم و از همه مواردی که خدا داده برای رشد انسانیت استفاده کنیم. و در نهایت، همانطور که ایشان بر حفظ کرامت انسان بسیار توجه می‌کرد، از قدرت و ثروت جامعه برای ایجاد وحدت استفاده کنیم نه اختلاف.

در طول سال‌ها همواره کسانی بودند که با تحقیر و توهین به ادیان الهی خشم و ناراحتی پیروان آن‌ها را برانگیخته‌اند، مانند حرکتی که اخیرا در فرانسه و با انتشار یک کاریکاتور درباره پیامبر اکرم (ص) اتفاق افتاد، فکر می‌کنید اگر امام موسی صدر حضور داشت چگونه با این موارد برخورد می‌کرد؟

کسانی که این قبیل کارها را انجام می‌دهند، لائیک هستند و اهل دین مسیحی یا یهودی نیستند که آن‌ها هیچ وقت این کار را نمی‌کنند و پاپ و رهبران کلیسا هم این کارها را محکوم کرده‌اند. در واقع این حرکت‌ها توسط برخی متعصبان و افراد افراطی‌ها بر ضد دین و ارزش‌ها انجام می‌شود. اگر امام موسی صدر حضور داشت روح زیبا، تمدن‌ساز و معنا ساز اسلام و اندیشه‌های متعالی آن را ترویج می‌کرد و در عمل نشان می‌داد که آن‌ها کار درستی نمی‌کنند. و در این باره دیدار و گفت‌وگو می‌کرد به جای اینکه بیشتر تنش ایجاد کند.

در واقع اگر امام موسی صدر بود یا حداقل ۵ نفر شبیه ایشان بودند این حرکت‌های افراطی که چهره اسلام را خراب کرده‌اند نمی‌توانستند به این شکل مقابله و دفاع کنند، دفاعی که بدتر از صدهزار حمله است.

بیست و ششمین همایش تقریب مذاهب اسلامی که با پیام حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی آغاز به کار کرده بود، پس از سه روز برگزاری جلسات بحث و گفتگو و تبادل نظر پیرامون موضوعات کمیسیونهای سه گانه به کار خود پایان داد.

متن پیام حضرت آیت الله مکارم شیرازی به همایش مذاهب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم



قبل از هر چیز تشکیل این جلسه باشکوه را به همه شما عزیزان و مخصوصاً به دست اندرکاران محترم و تلاش گر تبریک می گویم.

در تاریخ اسلام بلایی مثل بلای تکفیری‌ها

وجود نداشت؛ این جمعیت نادان و بی‌رحم و سنگدل که بر خلاف تمام موازین اسلامی و انسانی مسلمانان را می‌کشند و به طرز بسیار فجیعی سر می‌برند و گاه آتش می‌زنند، جمعیت بی‌سابقه‌ای در جهان اسلام و بلکه در دنیاست و از سوی دیگر دشمن قنار در کناری نشسته و با کمک پنهانی و آشکار به آنها کشورهای اسلامی را به دست مسلمانان ویران و زمین را از خون بی‌گناهان، زنان، کودکان، پیران و جوانان رنگینی می‌سازد و از همه بدتر نام خلافت اسلامی بر آن می‌نهند.

در این میان آمریکا و اسرائیل از همه خوشحال‌ترند؛ خاخام یهودی مرموز اسرائیلی گفته بود که داعش برای ما یهودیان یک هدیه الهی است که به ما ارزانی شده است. سیاستمدار معروف آمریکا گفته بود که گزینه این است که داعش به بغداد برسد و تمام شیعیان را به قتل برساند و اینها نمونه‌ای از سخنان آنهاست که نشان می‌دهد داعش، فرزند نامشروع وهابیت چگونه به یاری دشمنان اسلام شتافته است و اهداف نامشروع آنها را به دست خود تحقق می‌بخشد.

در چنین شرایطی بر همه مسلمین مخصوصاً علمای اسلام و اندیشمندان و فضلا و اهل قلم و رسانه‌ها لازم است که به روشننگری بپردازند و تکفیری‌های فریب خورده را راهنمایی و متعصبان آنها را منزوی کنند و ریشه افکار تکفیری از طریق صحیح بسوزانند.

این جانب امیدوارم که در این محفل و مجلس مقدس و در این گردهمایی باشکوه گام‌های مؤثری در این راه بردارید که ذخیره یوم المعاد شما خواهد بود. خداوند یار و نگهدار تان باد. والسلام علیکم و رحمه الله بر کاته

در اختتامیه این همایش که باحضور علماء و اساتید حوزه و دانشگاه، مدیران کل و مسوولان استانی و شهرستانی، فرماندهان نظامی و انتظامی، ائمه جمعه تشیع و تسنن برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین سلیمانی خاطرنشان کرد: از آنجایی که اسلام به عنوان دین رحمت و مهربانی در تمام دنیا در حال گسترش است، استیکار با راه اندازی گروههای تکفیری از جمله داعش به دنبال ایجاد تفرقه بین امت مسلمان برای جلوگیری از پیشرفت این دین الهی است.

نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان افزود: هر کسی و هر جریان فکری که ایمان به خدا و خاتمیت پیامبر اکرم(ص) را انکار کند، تکفیر است.

نماینده مقام معظم رهبری درامور اهل سنت استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان ادامه داد: مستیکران و غارتگران جهان با تشکیل و تقویت این گروهها به دنبال جنگ مذهب علیه مذهب، دین علیه دین، ارزش علیه ارزش، شکستن خط مقاومت امت اسلامی و از بین بردن وحدت در بین مسلمانان هستند.

این مسئول ادامه داد: تکفیر و تکفیری پدیده‌ای است که از خوارج آغاز شده است، ایمان تنها عقیده عقلی نیست بلکه باید در عمل هم اجرایی شود.

وی گفت: پیام تکفیر پدیده شوم نشأت گرفته از تجرر و جنود و جهل و نادانی است، امروز خوارج ابزار دست بیگانه

هستند، حمایتشان در منطقه به وسیله بعضی از کشورها صورت میگیرد، اما ریشه اصلی و منشا آنها استیکار و دشمنان اسلام هستند.

حجت الاسلام والمسلمین سلیمانی تصریح کرد: این گروهها



برای رسیدن به اهداف شوم خود از هیچ اقدامی غیرانسانی و غیر اخلاقی از جمله کشتار انسان‌های بیگناه، بمب گذاری، برخورد‌های انتحاری، تخریب مرقد پیامبران و اندیشمندان برجسته علمی و تکه تکه کردن اجساد انسانها به نام اسلام دریغ نمی‌کنند.

حجت الاسلام والمسلمین سلیمانی با بیان اینکه بحث اصلی این گروهها شیعه و سنی نیست بلکه آنان در راستای اهداف مستیکران گام بر می‌دارند افزود: پدیده تکفیر سابقه طولانی دارد اما امروز به شکل مدرن و تکامل یافته‌تری در حال رشد است تا چهره تابناک اسلام را تاریک نشان دهد و موج اسلام هراسی در دنیا راه بیاندازد.

امام جمعه زاهدان افزود: جریان تکفیری مانند یک تومور خطرناک در جهان اسلام است که باید برای از بین بردن آن تمام مسلمانان هوشیار بوده و بیش از پیش متحد شوند تا بتوانند قدرتی واحد در مقابل استیکار و دشمنان اسلام و مسلمین باشند.

امام جمعه اهل سنت چاپهار نیز در این مراسم رسول گرامی اسلام(ص) را پیامبر مهربانی و رحمت بیان کرد و گفت: راه نجات تمام انسان‌ها در گرو دین مبین اسلام است.

مولوی عبدالرحمن ملازهی اظهار داشت: تکفیر ثمره سالها تلاش استیکار آمریکا و انگلیس است که می‌خواهند با شیوه‌های مختلف مبنای وحدت مسلمانان را از بین ببرند. وی با بیان اینکه در اسلام تفکر تکفیری و افراطی وجود ندارد افزود: دین اسلام دین مهربانی و نبی خدا(ص) نبی رحمت است.

مدیر حوزه علمیه اهل سنت تربت جام دیگر سخنران این مراسم گفت: دشمن هر کجا وارد مبارزه و مقابله با ایران اسلامی شده شکست خورده و برای همین، امروز به این نتیجه رسیده که مسلمان را علیه مسلمان تحریک کرده و بین آنها به ایجاد اختلاف و تفرقه بپردازد.

مولوی سارمی افزود: امروز باید تلاش کنیم با وحدت و انسجام خود مشت محکمی بر دهان دشمنان زده و نقشه آنها آنها را نقش بر آب کنیم.

وی گفت: تهاجم و ناتوی فرهنگی اینها همه ترفندهای دشمنان است، آنها به دنبال دشمنی با اسلام هستند که ما باید با رصد توطئه‌های آنها با حفظ وحدت و انسجام ایستادگی کنیم.

مدیر حوزه علمیه تربت جام اضافه کرد: باید خطرات جریانه‌های تکفیری را برای مردم تشریح کرده و آگاهی آنها را در این زمینه ارتقا دهیم.

در ادامه این مراسم مدیر کل اطلاعات سیستان و بلوچستان طی سخنانی گفت: تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران در ۳۶ سال گذشته با وجود توطئه‌های متعدد استیکار جهانی به خوبی صورت گرفته است.

حق پرست ادامه داد: رویکرد کشورهای استیکار متوقف کردن نظام اسلامی بود و در این زمینه توطئه‌های مختلفی را به کار بستند که با عنایت خداوند و رهنمودهای مقام معظم رهبری به نوعی افشا و محوریت اسلام و اتحاد مردم در جامعه حاکم شد.

وی تصریح کرد: راهبرد اساسی انقلاب اسلامی ایران اسلام و اتحاد جامعه اسلامی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فضایی در دنیا حاکم شد که همه محرومان، مظلومان و مسلمانانی که تحت سلطه استیکار بودند در مقابل نظام‌های استیکاری ایستادند و بیداری اسلامی شکل گرفت.

وی ادامه داد: خوشبختانه با عنایت حق تعالی فضایی حاکم شد که بیداری اسلامی اسباب یک شکوفایی در جهان اسلام شد و در این زمینه انقلاب اسلامی به عنوان یک ارزش بزرگ، مرکز ثقل اسلام و حاکمیت ارزش‌های اسلامی حمایتگر همه

در بیست و ششمین همایش تقریب مذاهب اسلامی تاکید شد:

ضرورت وحدت و انسجام مذاهب اسلامی در برابر گروههای تکفیری

این جریان‌های الهی و مقابله با استیکار شد.

مدیر کل اطلاعات سیستان و بلوچستان گفت: محوریت اسلام، اتحاد جهان اسلام و راهبردی نظام جمهوری اسلامی سبب پیوند جهان اسلام و پیروزی مسلمانان در مقابل استیکار شد.

وی گفت: دشمنان نظام جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته سخت‌ترین رویکردها را بر روی ایران اسلامی اجرا کردند اما ایستادگی مردم در سایه اتحاد و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب شرایطی را ایجاد کرد که ما توانستیم علاوه بر خنثی کردن توطئه‌ها قدرت خود را نیز به دنیا عرضه کنیم.

وی ادامه داد: خوشبختانه ایران اسلامی هم اینک به عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه سبب به هم ریختن منافع استیکار شده زیرا هدف کشورهای استیکاری از حضور در منطقه تامین منافع خود است به طوری که منابع نفتی کشورهای اسلامی را مدنظر قرار داده‌اند تا بتوانند آن را غارت کنند و در این زمینه ایران اسلامی تمام تلاش خود را برای جلوگیری از غارت اموال بیت المال مسلمانان به کار بسته است.

وی ادامه داد: استیکار برای رسیدن به اهداف خود تلاش کرد فضای تفرقه و درگیری در جهان اسلام ایجاد کند که خوشبختانه با اقدامات مناسب جمهوری اسلامی شرایطی ایجاد شد که آنها نتوانستند به تمام اهداف خود برسند. وی اظهار داشت: یکی از رویکردهای اساسی که در دستور کار نظام استیکاری به ویژه در شش سال گذشته قرار گرفته ایجاد و اجرای پروژه گسل‌های قومی و مذهبی در دنیای اسلام است.

وی بیان کرد: دشمن از این طریق می‌تواند در درون ملت‌های مسلمان آشفتگی ایجاد کند لذا باید دقت کرد آنها که به دنبال استفاده از شکاف‌های قومی و مذهبی هستند و پروژه سوریه و عراق را نیز در همین راستا اجرا کردند، به اهداف شوم خود نرسند.

وی گفت: استیکار با انجام اینگونه اقدامات به دنبال درگیری داخلی بین مسلمانان است و همه این اقدامات را با هزینه کشورهای اسلامی انجام می‌دهد به طوری که آنان امروز از نفت به عنوان یک امکان استراتژیک در اختیار مسلمانان برای منافع خود بهره می‌گیرند.

وی ادامه داد: همچنین امروز پروژه داعش و جریان‌های تکفیری در راستای تکمیل شدن اهداف استیکار است زیرا این پدیده شوم از یک اتاق فکر متشکل از تمامی سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل نشأت گرفته است.

مدیر کل اطلاعات سیستان و بلوچستان گفت: استیکار برای ایجاد تفرقه بین امت اسلامی به ویژه مردم این استان متأسفانه در سالهای گذشته اقدامات نامطلوبی را انجام داد و مشکلاتی را ایجاد کرد زیرا رویکرد آنها ایجاد گسست بین مردم و قومیت‌های مختلف در امت اسلامی به ویژه ایران است.

حق پرست ادامه داد: از آنجایی که استیکار می‌داند با ایجاد تفرقه می‌تواند به هدف شوم خود در منطقه برسد لذا تمام تلاش خود را در این زمینه بکار بست و در کشورهای پیرامون ایران اسلامی خیمه زده و این گونه کارها را انجام می‌دهد.

وی تصریح کرد: آنچه برای ما مهم است نگاه عمیق به رفتارها، کار کردها و رویکردهای آنان است زیرا آنها قدرت خود را در دامن زدن به شکاف‌های قومی مذهبی و استفاده از جریان سازی برای حمایت از گروههای تکفیری و جریان ضد شیعه و سنی دنبال می‌کنند.

وی گفت: استیکار در گذشته از روشهای مختلف از جمله حمله‌های انتحاری برای ایجاد اختلاف بین مردم شیعه و سنی سیستان و بلوچستان بهره می‌گرفت اما در چندماه گذشته با رصد دقیق مشخص شد آنها یک حرکت ظریف را بین مردم استان دنبال می‌کردند.

وی ادامه داد: استیکار به عنوان مغز متفکر همه جریان سازی‌ها به دنبال ایجاد تفرقه است لذا در این زمینه کسانی را به عنوان شیعه و سنی در پازل بازی قرار داده بود که همچون اسباب خیمه شب بازی عمل می‌کردند یعنی این افراد باتولید نشریات و کتب مختلف به دنبال اجرای نقشه

شوم استیکار بودند.

وی تصریح کرد: در این زمینه اداره کل اطلاعات سیستان و بلوچستان با بررسی دقیق به افرادی رسید که در زمینه چاپ و توزیع جزوات، نشریات و بروشورها فعالیت می‌کردند، این افراد با یک برنامه سازمان یافته و تشکیلاتی برنامه ریزی شده به انگلیس وصل بودند.

وی ادامه داد: این افراد به عنوان نوکر و ایادی دشمن قصد داشتند این کتب و نشریات را که در اهانت و هتک حرمت به همسر پیامبر(ص) منتشر شده بود در یکی از محلات شهر زاهدان پخش کنند.

وی گفت: یکی از این محموله‌ها با ۷۰۰ جلد کتاب در زمینه هتک حرمت به عایشه همسر پیامبر بزرگوار اسلام(ص) قرار بود در یکی از محله‌های شهر از جمله بلسار کوثر زاهدان توزیع شود که خوشبختانه با لطف خداوند و همکاری امت اسلامی این حرکت شناسایی و عوامل آن دستگیر و از انتشار این کتب جلوگیری شد لذا هم اینک لازم است با توجه به اقدامات مختلف دشمن ما مراقب حرکت‌های ظریف دشمنان باشیم.

وی خاطر نشان کرد: این اقدام نخستین و آخرین حرکت دشمن نیست لذا می‌تولد افراد دارای قدرت نفوذ در جامعه و صاحب تربیون به ویژه علمای شیعه و سنی رفتارهای خائنه دشمن را به خوبی شناسایی کرده و به یکایک مردم اطلاع‌رسانی کنند و اگر در مکانی حرکتی نامناسب صورت گرفت به دشمن اجازه تشدید دشمنی را ندهیم. وی گفت: همه اقدامات ضد امنیتی صورت گرفته در سیستان و بلوچستان بر اساس تصمیمات همان اتاق فکر دشمنان انجام شده است بطوریکه بر اساس تصمیم همان اتاق فکر، کسانی که در حوزه انتشاراتی اهل سنت عمل می‌کردند از جریان‌های تکفیری و معاند که اسباب اقدامات سخت انفجاری را طرح‌ریزی و می‌خواستند اجرا کنند خبر نداشتند اما به موازات این پازل عده‌ای اجیر شده بودند که ۳۵۰ کیلو مواد انفجاری را وارد کشور و استان کرده و در جاهای مختلف منفجر کنند و در کنار این اقدامات تعدادی از بزرگان شیعه و سنی را نیز به شهادت برسانند.

وی افزود: خطری که امروز متوجه ما می‌باشد این است که دشمن با امکانات و ظرفیت‌های خود بسیج شده تا بین اقوام و مذاهب تفرقه ایجاد کند لذا برای خنثی کردن این توطئه‌ها اتحاد و وحدت ما می‌تواند همه برنامه‌ها آنها را خنثی کند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سخنانی گفت: امروز جهان با پدیده جدید انفجار نور اسلام روبه روست به طوری که نور اسلام ناب محمدی (ص) در همه شهرها و مراکز علمی جهان در حال درخشش است. آیت الله محسن اراکی ادامه داد: اسلام ناب محمدی(ص) نه از طریق ابزار نظامی و نه به صورت تحمیلی بلکه به صورت طبیعی و برخواسته از نیاز جامعه امروزی به ارزش‌ها، اندیشه و تفکر آن در حال گسترش است.

وی تصریح کرد: عمده پیشرفت‌های اسلام در دوره کنونی ناشی از وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) است زیرا آن شخصیت برجسته علمی و مذهبی، اسلام را به عنوان دین رحمت، آزادی و مبارزه با استیکار معرفی کردند.

دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی گفت: دشمنان اسلام پدیده داعش و تکفیری را برای مخدوش کردن چهره اسلام ناب محمدی (ص) راه انداخته اند به طوری که این گروه‌ها با انجام کارهای غیر انسانی و اخلاقی در کشورهای مختلف به دنبال اجرای نقشه شوم دشمنان و مستیکران هستند.

آیت الله اراکی اظهار داشت: با توجه به اینکه آینده از آن اسلام است در این راستا می‌تولد مسلمانان خود را برای مدیریت جهان آماده و علمای شیعه و سنی نیز در زمینه نظریه پردازی پیشتاز باشند تا دروس تدریس شده در مراکز علمی و مذهبی منطبق با نیاز روز جامعه باشد.

وی اسلام مطابق با نیازهای روز را از واجبات امروز دنیا دانست و ادامه داد: خوشبختانه علمای اهل تشیع و تسنن در علوم فقهی مختلف نقاط مشترک زیادی دارند که می‌توانند با هم اندیشی طرحی برای تدوین یک فقه مشترک برنامه ریزی کنند تا از بسیاری از انحرافات در جهان اسلام جلوگیری کنند.

افتتاح موسسه آل البیت در مادرید با هدف تقریب افکار و همزیستی بین ادیان

تثا: علاءالدین نجف مدیر روابط عمومی و امور بین الملل موسسه آل البیت در این مراسم هدف از تأسیس این موسسه را نزدیک کردن اصول انسانی و اعتقادی بدون در نظر گرفتن اعتقادات و گرایش دینی و فکری است.

وی افزود: این موسسه در تلاش است ارزشهای انسانی را بر اساس گفتگو و احترام گسترش دهد.

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی حسینی نماینده آیت الله سیستانی در مسکو نیز در سخنانی تأکید کرد: آنان که در کنار تروریسم پرچم اسلام را بالا می برند و به نام اسلام صحبت می کنند و مردم را می کشند متعلق به اسلام نیستند زیرا حاضر نیستند که با دیگران باشند و اختلاف نظر - عقاید و مذهب دیگران را قبول کنند.

حسینی با تأکید بر نقش زنان در اسلام گفت: حضرت فاطمه زهرا (س) - حضرت خدیجه (س) - حضرت زینب (س) و حضرت مریم (س) نقش بسیار بزرگ و مهمی در تاریخ داشته اند.

ریکاردو گارسیا معاون اداره کل امور ادیان در وزارت دادگستری اسپانیا نیز در این مراسم گفت: این افتخار را دارم که به نمایندگی از وزارت دادگستری در این مکان که نه فقط محل تقریب و گفتگوی مسلمانان است بلکه غیرمسلمانان نیز می توانند در آن شرکت کنند، حضور یابم.

وی افزود: این موسسه در کشورهایی که فعال است وحدت و گفتگوی بین ادیان - فرهنگها و صلح افزون بر همزیستی مسالمت آمیز را بین همه افراد فارغ از عقاید و مذاهب آنها اروج می دهد.

منیر بنجلون دبیرکل کمیسیون اسلامی اسپانیا نیز در سخنانی با اشاره به وقایع اخیر که به وجهه مسلمانان لطمه زد تصریح کرد: این موسسه ای است که ما مسلمانان اسپانیا به آن نیاز داریم و می خواهیم که غیرمسلمانان نیز در آن پیام اسلام را بشنوند و ما را بشناسند و پلی برای وصلت و گفتگوها باشد.

محمد کمبون امام مسجد ختافه (مادرید) نیز با تأکید بر عشق و محبت همه انسانها که ناشی از عشق به پیامبر (ص) و خاندان اهل البیت است گفت: پیامبر اسلام الگوی رفتار بشریت بود و مسلمانان به این الگو پایبندند.

حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی: غرب از هر ابزاری برای مبارزه با اعتقادات مذهبی بهره می گیرد

معاون امور ایران مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در دیدار با مسئولان و علمای اهل سنت و تشیع شهر مرزی تایباد با اشاره به اینکه تلاش ها در عرصه تقریب و وحدت امت اسلامی همواره وجود داشته است، اظهار داشت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دشمنان اسلام و انقلاب سعی کردند که این انقلاب را انقلابی شیعی نشان دهند اما امام راحل جلوی این تلاش ها ایستاد و گفت انقلاب ما اسلامی است و همه مذاهب در پیروزی این انقلاب مشارکت داشته اند.

وی تأکید کرد: خون هایی که از مذاهب مختلف اسلامی برای حفظ انقلاب اسلامی ریخته شده است نشان از ریشه دار بودن وحدت و تقریب و همدلی اقوام و مذاهب اسلامی در کشور دارد.

حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی با اشاره به اینکه امروز تهدیدات دشمنان علیه جهان اسلام شدت گرفته است، اظهار داشت: هدف دشمنان از تهدیدات فرقه یا مذهب خاصی نیست بلکه هدف اصلی آنها مبارزه با اصل اسلام، قرآن و رسول اکرم(ص) است.

وی با بیان اینکه دنیای غرب می خواهد ریشه دین و اعتقاد به خدا را از بین ببرد، اظهار داشت: غرب از هر راه و ابزاری برای مبارزه با اعتقادات مذهبی و دینی بهره می گیرد.

آیت الله اراکی: امروز شاهد جنگ جهانی علیه اسلام ناب محمدی هستیم

و دوستی کند، در آیات قرآن آمده «می توانید با کفاری که با شما جنگ نکرده اند، به احسان رفتار کرده و دوستی کنید». وی افزود: مگر ائمه اطهار(ع) به اهل تسنن احسان نمی کردند؟ در روایات داریم که این بزرگواران شبها میان افراد غذا تقسیم می کردند، مگر تنها میان شیعیان این غذاها تقسیم می شد؟ آیا این درست است که ما در منابر و رسانه ها فریاد بزیم که هر فرد سنی، ناصبی است و ناصبی نیز کافر است؟

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بیان داشت: البته میان ما و اهل تسنن اختلافات وجود دارد، ولی این ها نباید منشأ اختلاف شود، بلکه باید در مدارس علمیه سر این موضوعات بحث کرد و منطق را ارائه داد، ما طرفدار دلیل، منطق و برهان هستیم.

وی ادامه داد: تقریب به معنای دست برداشتن شیعه و اهل سنت از عقایدشان نیست؛ ما نمی گوئیم که شیعه باید از عقاید خود دست بردارد و مراسم های مذهبی خود را برگزار نکند، ما نسبت به حوادث پس از رحلت نبی اکرم(ص)، فاطمیه و عاشورا نظر داریم، برهان نیز داریم، ولی نباید این مسائل سبب جنگ داخلی شود، بلکه هر فردی عقاید خود را دنبال کند؛ برخی خیال می کنند وحدت به معنای برگزار نکردن مراسم عزاداری است.

آیت الله اراکی اصرار آمریکا را دشمنی میان شیعه و سنی بیان کرد و گفت: قرن ها شیعه و سنی با هم رفتار مسألت آمیز داشته اند، ولی امروز آمریکا و برخی از کشورها می خواهند میان مسلمانان اختلاف ایجاد کنند.

استاد شوقی شالباف در گذشت



آن مرحوم علاوه بر فعالیتهای گسترده پژوهشی و مدیریتی، تألیف بیش از ده عنوان کتاب را در کارنامه پژوهش خود داشت و برچاپ کتاب های پژوهشگاه نیز

آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در نشست شناخت جریان های تفرقه برانگیز در جهان اسلام که در مدرسه صدوق برگزار شد، با تأکید بر این که اهل بیت(ع) و علما در طول تاریخ تابع وحدت بودند، گفت: آنچه امروز رهبر معظم انقلاب درباره وحدت بیان می کنند، موضوع جدیدی نیست، بلکه همان راه و روشی است که از دوران ائمه اطهار(ع) به ما رسیده و علما به آن عمل کرده اند.

وی افزود: در گذشته شیعیان و اهل تسنن در برخی از مدارس با هم درس می خواندند، البته بحث و بررسی موضوعات وجود داشت، ولی وحدت نیز حفظ می شد؛ مگر در جلسات اهل بیت(ع) تنها شیعیان شرکت می کردند، یا در جنگ تنها شیعیان اثنا عشری حضور داشتند؟

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با بیان این که علما ما تابع رفتار اهل بیت(ع) بودند، بیان داشت: علما در طول تاریخ رفتار وحدت آمیز داشتند، امروز نیز تأکید ما بر رفتار وحدت آمیز در جامعه اسلامی همانند ائمه اطهار(ع) و علما است.

آیت الله اراکی حقیقت تشیع را پیروی از اهل بیت(ع) عنوان کرد و اظهار داشت: در روایت تأکید شده «اگر فردی از اهل بیت(ع) پیشی بگیرد هلاک می شود، اگر هم عقب بیفتد به مقصد نمی رسد».

آیت الله اراکی در ادامه با بیان این که تقریب و وحدت به معنای دست برداشتن از عقاید نیست، تصریح کرد: به عقیده ما شیعه با تعالیم شیعی نیز می تواند با غیر شیعی رفتار کرده

اندیشمند فرهیخته استاد شوقی شالباف مدیر گروه احیای میراث تقریبی پژوهشگاه مطالعات تقریبی درگذشت . پیکر وی با حضور همکاران، بازماندگان و جمعی از طلاب و اساتید حوزه در قم تشییع و در گلزار شهدای این شهر به خاک سپرده شد.

استاد شوقی شالباف در سال ۱۳۴۵ در کربلا متولد و در سنین جوانی به دلیل فشار حزب بعث به ایران سفر کرد و پس حضور در جبهه سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شد. مدیر مجمع الحواری پژوهشگاه مطالعات تقریبی علاوه بر فعالیت های پژوهشی در موسسه انتشارات جامعه مدرسین، دارالعلوم القرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، از سال ۱۳۷۵ در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی فعال بود.

اهل سنت در داخل و خارج با چشم اعتماد به مجمع تقریب نگاه می کنند

وی ارتباط با دولت را از دیگر وظایف این معاونت برشمرد و گفت: سومین حوزه فعالیت ما برقراری ارتباط با دولت است؛ دولت تدبیر و امید، دولت تقریب و اتحاد هم هست؛ یکی از مسئولیت های این معاونت تنظیم ارتباط مجمع با دولت و زمینه سازی برای همکاری های متقابل می باشد.

دکتر زرهانی در پاسخ به این سوال که مسئله تأسیس فراکسیون تقریب در مجلس در چه وضعیتی قرار دارد، تصریح نمود: فراکسیون ها با اراده نمایندگان به وجود می آیند این پیشنهاد مطرح شده است اما مقدمات آن باید در مجلس فراهم شود؛ طبیعت فراکسیون ها خودجوش بودن آنهاست و مبتنی بودن بر ضرورت هایی است که خود نمایندگان تشخیص می دهند؛ مجلس شورای اسلامی در آینده با هر ترکیبی که باشد در ذیل منویات مقام معظم رهبری و اندیشه های امام مثل دولت، حافظ وحدت و تقریب است.

وی در ادامه با اشاره به دیدار اخیر آیت الله اراکی با برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، گفت: یکی از مسأله هایی که در دیدار با نمایندگان مطرح شد این بود که ما استراتژی «تعامل و تعاون بین مذاهب اسلامی» را که بر اساس آن کارگروهی تشکیل شده و عمامه کار مطالعاتی شده و ۴۰ بار ویرایش بر روی آن انجام شده است، برای دو کمیسیون مجلس یعنی امنیت ملی و سیاست خارجی و فرهنگی بفرستیم؛ در کنار این راهبرد با تکنیک «آینده پژوهی» بر روی راهبرد موازی هم کار می کنیم که در یک نقطه به هم می رسند؛ در هر صورت در مجلس می توانیم دیدگاه های کارشناسی و

مشورتی را منتقل کنیم.

معاون امور راهبردی، دولت و مجلس مجمع تقریب در ادامه به برنامه های آتی این معاونت در سال ۹۴ اشاره کرد و اظهار داشت: ما در سال آینده دنبال این هستیم که اسناد بالادستی را به تصویب برسانیم و این ادای دینی بر گردن ماست که نمونه آن در سالهای گذشته تنها در مواردی مثل «منشور وحدت» خلاصه می شده است؛ کار دوم ما برای سال آینده تدوین راهبرد با نگاه «آینده پژوهی» است و همینطور نگاهی به کل نظام داریم و این که اقدامات دولت و مجلس برای تقریب در چه زمینه هایی قابلیت اجرایی دارد را مورد مطالعه قرار داده و خواهیم داد و بر این اساس ا ف ق ۲۰ ساله را هم برای نظام و هم برای مجمع پیشنهاد میکنیم؛ از سال ۹۴ به بعد مهمترین رسالت ما نظارت بر اجرای راهبرد است و در طی این زمان به دنبال رفع نواقص و مشکلات خواهیم بود .

وی افزود: هدف ما این است که ابتدا این ضرورت را به اثبات برسانیم و تأکید کنیم تقریب فراتر از مجمع تقریب است و اگر قرار باشد تقریب به عنوان یک سیاست نظام آنگونه که رهبری ترسیم فرموده اند بدان جامه عمل پوشیده شود نیاز به همگامی دولت و مجلس دارد و در حقیقت بایستی فضا را آماده کنیم و حتی بالاتر از آن باید پالایشی را در فرهنگ عمومی ایجاد کنیم یعنی برخی از رفتارها و گفتارها که اتفاق می افتد و بر خلاف منویات رهبری در مورد وحدت است برای زدودن آن تلاش کنیم؛ بر این اساس ایجاد رویکردهای جدید مستلزم برنامه ریزی است که امید است محقق گردد.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سردبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۳۷۷۴۱۴۲۳۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بعثت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

«در ستایش فاطمه» و «سیره و سخن فاطمه» منتشر شد

موسسه بوستان کتاب دو اثر جدید درباره زندگی حضرت زهرا(س) به نام‌های «در ستایش فاطمه» و «سیره و سخن فاطمه»، منتشر کرد.

با چاپ این دو اثر گرانشنگ، که تالیف آیت الله علی کریمی جهرمی است، تعداد عناوین منتشر شده بوستان کتاب در موضوع حضرت زهرا (س) به ۱۸ عنوان می‌رسد. کتاب «در ستایش فاطمه»، اثری است که در ۱۰۸ صفحه به مدح و ستایش حضرت زهرا (س) از قول خداوند متعال، پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و سایر ائمه معصوم تا حضرت ولیعصر (عج) پرداخته است؛ بدین معنا که سخن خدای سبحان را درباره مقام حضرت زهرا (س) از آیات قرآن استخراج کرده و نیز با استفاده از منابع معتبر اهل سنت و شیعه، سخنان رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام را درباره فضایل و کرامات حضرت زهرا (س) جمع‌آوری کرده است.

آیت‌الله کریمی جهرمی همچنین در کتاب «سیره و سخن فاطمه»، کوشیده تا گوشه‌ای از رفتارها و گفتارهای درس‌آموز و زندگی‌ساز آن بانوی دو عالم را به خوانندگان بشناساند.

انتصاب مدیر جدید رادیو معارف



مدیر کل صدا و سیما، مرکز قم در حکمی «مجتبی تونه‌ای» را به سمت مدیر رادیو معارف منصوب کرد.

حجت الاسلام محمد لطفی نیاسر تجربه‌های ارزشمند مدیریتی تونه‌ای را در بخش‌های برنامه ریزی و برنامه سازی در طول سال خدمت در رادیو معارف و سابقه درخشان وی در عرصه فرهنگ دینی را از دلایل انتصاب وی بیان کرده است.

مدیر کل صدا و سیما، مرکز قم در این حکم از تونه‌ای خواسته با استفاده از قالب‌های جدید برنامه سازی، دین، اخلاق، امید، آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی را در برنامه‌های رادیو معارف عینیت بخشد.

ارتباط گسترده و دقیق با مراکز و موسسات حوزوی و دانشگاهی و ایجاد ابتهاج معنوی و نشاط انقلابی در جامعه مخاطبان از دیگر محورهای مورد انتظار در افق فعالیت‌های پیش روی مدیر جدید رادیو معارف بیان شده است.

مجتبی تونه‌ای کارشناسی ارشد فقه و حقوق و از سال ۱۳۷۹ به عنوان نویسنده و تهیه‌کننده برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در سازمان صدا و سیما شروع به کار کرده است و دارای تالیفاتی در حوزه ادبیات و فرهنگ اسلامی است که از جمله آنها می‌توان به موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)، فرهنگنامه حج و از عشق تا دمشق اشاره کرد.

مدیریت گروه معارف و جامعه و سرپرستی رادیو معارف بخشی از مسئولیت‌های تونه‌ای در رسانه ملی بوده است.

انتشار کتاب «فاطمه (سلام‌الله علیها) از نگاه علی (علیه‌السلام)»



کتاب «فاطمه(س) از نگاه علی(ع)» نوشته حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدیان، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی دفتر نشر معارف منتشر شد.

کتاب «فاطمه(س) از نگاه علی(ع)» ترجمه و تکمیل شده کتاب «فاطمه(س) فی رؤی علی(ع)» است که دوازده سال پیش توسط نویسنده منتشر شد. در آن کتاب فقط سخنان امیرالمومنین(ع) نقل شده بود و هیچ نکته‌ای در ذیل آن سخنان ذکر نشده بود.

در کتاب حاضر علاوه بر ترجمه روان سخنان امیرالمومنین(ع)، تلاش شده است که با استفاده از آیات قرآن و احادیث رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع) مطالبی در ذیل سخنان حضرت بیاید که به فهم بهتر آن سخنان و شناخت جامعتر حضرت فاطمه(س) کمک کند. این مطالب تحت عنوان «نکته‌ها» در هر فصلی ذکر شده است.

نویسنده در بخشی از مقدمه می‌نویسد: «برای ترسیم چهره ملکوتی دُخت رسول خدا(ص) و تبیین ابعاد شخصیت بی‌نظیر زهرای اطهر(س) کسی بهتر از امیرالمومنین(ع) نمی‌تواند لب به سخن بگشاید. امیرالمومنین(ع) از عمق ایمان و صفای دل

آیین «گرامیداشت ۲۵ سال آئینه پژوهش» ۲۰ اسفندماه، با حضور دکتر سیدعباس صالحی، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر محمدعلی مهدوی‌راد، سردبیر نشریه «آئینه‌پژوهش»، محمداسفندیاری، منتقد و پژوهشگر، دکتر نصرالله‌پورجوادی، سردبیر نشریه «نشر دانش» و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مجید غلامی جلیسه، مدیرعامل خانه کتاب و جمعی از فرهیختگان و اهالی قلم در پژوهشگاه فرهنگ و هنر و معماری جهاد دانشگاهی برگزار شد.

حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم گفت: هفت هزار نشریه دارای مجوز هستند که از این تعداد ۵۰۰ نشریه در فضای مجازی فعالیت می‌کنند که مطابق مصوبه مجلس شورای اسلامی این دسته نیز در گروه مطبوعات قرار می‌گیرند.

وی افزود: تعداد معدودی از نشریات وجاهت دارند که نشریه «آئینه پژوهش» از این دسته است. رسانه‌ها رویدادمحور هستند، اما نشریاتی که با رویکردی تفکرساز منتشر می‌شوند، سهم کمتری دارند.

انتظامی در ادامه گفت: در آیین گرامیداشت ۲۵ سال

سید عباس صالحی در آیین «گرامیداشت ۲۵ سال آئینه پژوهش» گفت: «آئینه پژوهش» با دغدغه آسیب‌های نشر در حداقل دهه ۳۰ تا ۵۰ متولد شد. شخصیت‌هایی مانند شهید مرتضی مطهری و استاد حکیمی درباره نالستواری و غای محتوایی، نیازهای مخاطب، ادبیات نشر و چشم‌نوازی تولید به لحاظ انتشار این دغدغه را داشتند و این موجب شد تا نشریه «آئینه پژوهش» منتشر شود.

وی افزود: «آئینه پژوهش» در مسیر انتشار، از تجربیات پیشینیان خود به‌ویژه نشریه «نشر دانش» بهره برد. ما در دهه ۶۰ بسیار مدیون «نشر دانش» بودیم و هستیم. این نشریه یکی از منابع انتشار مجله «حوزه» بود.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد ادامه داد: جشن ۲۵ سالگی نشریه موفقی مانند «آئینه پژوهش» در فضایی که تجربه‌های ناموفق بسیاری دیده‌ایم و یاس‌آور بوده، امیدوارکننده است.

صالحی در بیان ویژگی‌های نشریه «آئینه پژوهش» اظهار کرد: جهت‌گیری باز و سعه صدر این نشریه که از ابتدا تا امروز ادامه پیدا کرده، از نخستین ویژگی‌های این نشریه است. در دوران خط‌کشی‌ها و تنگ‌نظری‌ها و دیوارکشی‌های بلند، «آئینه پژوهش» و نشریات دفتر تبلیغات اسلامی تلاش داشتند تا این خط‌کشی‌ها و

دیوارها کوتاه‌تر شود. انتشار «آئینه پژوهش» یکی از اتفاقات بزرگ در دوران عدم تسامح بود.

وی در ادامه «آئینه پژوهش» را یکی از نشریات مؤثر در پژوهش‌های دینی توصیف کرد و گفت: دومین ویژگی این نشریه، توجه به نقد و تضارب افکار در کشوری است که از نظر تاریخی دیالوگ دو نفره چندان اهمیت نداشته است؛ ایجاد دیالوگ انتقادی کار دشواری است. انتشار نشریه‌ای که ۲۵ سال در مسیر تبدیل فرهنگ سخنرانی به فرهنگ گفت‌وگو و تبدیل آن به فرهنگ گفت‌وگوی انتقادی همت کرده، فرایند آسانی نیست.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد در بیان ویژگی سوم «آئینه پژوهش» افزود: رعایت معیارهای علمی و اخلاقی در انتشار، از دیگر ویژگی‌های این نشریه است. «آئینه پژوهش» به نقد کتاب می‌پرداخت، اما به اخلاق در نقد پایبند بود.

صالحی تصریح کرد: توجه به نشر پیراسته و معیار، از رویکردهای جدی در اداره این نشریه بود. در فضایی که نشر فضایی شلخته داشت، به تعداد انگشتان دست مقالات پیراسته به نشریات ارسال می‌شد.

وی ادامه داد: تنها نشریه‌ای که در ۲۵ سال گذشته به‌طور پیوسته منتشر شده «آئینه پژوهش» و اداره شدن آن با یک سردبیری نیز از دیگر ویژگی‌های این نشریه است.

طاقات فرسای منزل!، کمک امیرالمؤمنین(ع) در کار منزل، پرهیز از تجمات، لب‌های خندان فاطمه(س) در کنار بستر ارتحال رسول خدا(ص)، شعری از فاطمه(س) در کنار قبر پدر، داستان تلخ فدک، تسلی‌ی خاطر فاطمه(س) در جریان فدک، مظلومیت فاطمه(س)، وصیت‌های فاطمه(س) در واپسین ساعات عمر، لحظه شهادت فاطمه(س)، هنگام غسل و خاکسپاری فاطمه(س)، سخنی با رسول خدا(ص)، مرثیه‌ای پس از بازگشت به منزل، سروده‌ای بر سر قبر فاطمه(س)، ملاقات فاطمه(س) با رسول خدا(ص) در روز قیامت، عبور فاطمه(س) از صراط و فاطمیین در قیامت.

کتاب «فاطمه(س) از نگاه علی(ع)» در ۲۴۸ صفحه، قطع رقی، دو رنگ، شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۰۰۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

برای تهیه کتاب‌های فاطمی دفتر نشر معارف و کتاب «فاطمه(س) از نگاه علی(ع)» می‌توان از طریق سایت پاتوق کتاب: KETABROOM.IR یا دفتر مرکزی نشر معارف قم (۰۲۵۳۷۷۴۰۰۴) یا از طریق فروشگاه‌های پاتوق کتاب تهران (تلفن ۸۹۱۱۲۱۲)، پاتوق کتاب قم (تلفن ۳۷۷۳۵۴۵۱) و دیگر مراکز توزیع محصولات فرهنگی اقدام کرد.

استاد مهدوی‌راد: «آئینه پژوهش» نبود، چراغ نقد خاموش می‌شد

نشریات نقد دارای یک تفاوت است. این نشریه در یک عرصه تخصصی یا بهتر بگویم اختصاصی یعنی عرصه کتاب‌های دینی منتشر می‌شود.

این منتقد تصریح کرد: متأسفانه نقد در ۲۵ سال پیش و در حال حاضر مفهوم جا افتاده‌ای در محافل مذهبی و دینی نیست. برخی معتقدند نقد تضعیف‌کننده است. این در حالی است که تقدّم‌موجب تقویت‌نویسنده‌و محتوای مطلب می‌شود. اسفندیاری گفت: در سال‌های ابتدایی انتشار «آئینه پژوهش» یک نفر در قم نسبت به انتشار آن تردید کرده بود، چراکه معتقد بود انتشار نقد غیبت نویسنده است. مفاهیم دینی ما اجازه نقد را صادر کرده است. چراغ نقد باید روشن باشد و «آئینه پژوهش» چراغ آن‌را روشن کرده است.

در ادامه این آیین، نصرالله‌پورجوادی، سردبیر نشریه «نشر دانش» با اشاره به روند تاریخی تشکیل مرکز نشر دانشگاهی در بعد از انقلاب اسلامی گفت: بیش از ۳۰ سال پیش در مرکز نشر دانشگاهی با دکتر مهدوی‌راد آشنا شدم؛ زمانی که به دنبال انتشار نشریه «آئینه پژوهش» بود.

وی با اشاره به تأثیر انتشار «آئینه پژوهش» در اسلام‌شناسان غیر ایرانی ادامه داد: حدود ۱۲ سال پیش با یک اسلام‌شناس ژاپنی آشنا شدم که «آئینه پژوهش» را می‌شناخت و تداوم انتشار آن را ضروری می‌دانست.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد: «آئینه پژوهش» دیوارهای تنگ‌نظری را کوتاه کرد

معاون فرهنگی وزیر ارشاد با اشاره به نقش دکتر مهدوی‌راد در اداره «آئینه پژوهش» گفت: سهم دکتر مهدوی‌راد در اداره «آئینه پژوهش» اندک نیست، هرچند در این راه افراد بسیاری حضور داشتند. کتابشناسی و عشق به کتاب و به اصطلاح کتاب‌بازی وی از جمله ویژگی‌های سردبیری «آئینه پژوهش» است. خاطرات مشترکی از این ویژگی دکتر مهدوی‌راد در ذهن دارم. پایداری «آئینه پژوهش» متأثر از رابطه مولد و اثر است. صالحی افزود: ارتباطات روان و گسترده وی در دهه‌های متوالی با حوزویان و دانشگاهیان، نشان از هوش و توانایی اجتماعی مهدوی‌راد دارد. تنوع ارتباط وی برای «آئینه پژوهش» یک سرمایه است.

وی با اشاره به وجود تعادل در نشریه «آئینه پژوهش» اظهار کرد: شخصیت علمی و معتدل مهدوی‌راد موجب شده تا «آئینه پژوهش» معتدل بماند. شناسایی ماندگاری «آئینه پژوهش» در گرو شناخت شخصیت مهدوی‌راد است. وی با شخصیت شاگردپروری در ماندگاری این نشریه مؤثر بوده است.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد در پایان گفت: استادان به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ استادان نا استاد، استادان معلم و استادان مربی، که مهدوی‌راد جزو سومین گروه است.